کارگران وزحمتکشان متحد شوید

کار

پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۵
قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریک های فدائی خلق ایران

سرمقاله

رفراندوم انجام شد اما...

رفراندم درشرایطی که فضای غیر دمکراتیک برکشور غالب بود، در شرایطی که رای دهندگان وطرفداران آزادی ودمکراسی هیچگونه اطلاعی از چهارچوب قانون اساسی وماهیت جمهوری اسلامی نداشتند برگزار شد. به هرحال همانطوریکه قبلا گفته ایم بحث ما به هیچ وجه برسرنام جمهوری نیست، بلکه قانون اساسی آن، محتوی وعملکرد آن است که می باید ملاک قضاوت مردم قرارگیرد. ماقبل ازرفراندم گفتیم که پیش ازهرچیز ب مجلس موسسان ازنمایندگان منتخب مردم تشکیل شود. قانون اساسی راتدوین نماید، سپس نوع جمهوری رابه همه پرسی بگذارد. ولی بدون توجه به این سیر منطقی رفراندم انجام پذیرفت.

ازقیام پیروزمند ۲۱ بهمن تاکنون مردم چشم انتظار اقداماتی انقلابی وتغییراتی اساسی بوده اند، ولی هنوز حداقل آنچه راکه از انقلاب انتظار داشتند بدست نیاورده اند. حال باید دیدکه ازاین‌به‌بعد چه تغییراتی درزندگی مردم روی خواهد داد، وچه تصمیماتی درجهت منافع مستقیم توده های زحمتکش وکوتاه کردن دست امپریالیسم وعناصر وابسته به آن انجام خواهد گرفت؟ درقانون اساسی جدید تاچه اندازه خواستهای کارگران وزحمتکشان درنظر گرفته می شود؟ ودمکراسی مورد نظر توده ها تاچه میزانی برقرار خواهد شد؟ چگونگی پاسخ گویی به این خواستها ونیازهای مردم است که محتوی جمهوری اسلامی راتعیین خواهد کرد. بدیهی است جمهوری اسلامی تاآنجاکه محتوایی دمکراتیک وضدامپریالیستی داشته باشد وقانون اساسی آن باتوجه به منافع زحمتکش‌ترین اقشار وطبقات تنظیم شود ودستهای امپریالیسم ووابستگانش را کوتاه کند، مورد تائید مردم ونیروهای مترقی قرارخواهد گرفت. درغیر اینصورت ازحمایت مردم برخوردار نخواهد بود. براین اساس چگونگی برخورد [illegible] بامسائل زیر است که محتوای حکومت آینده را مشخص خواهد کرد.

سرمایه های وابسته ودلالان امپریالیسم که اقتصاد کشور را در دست داشتندوبه استثمارتوده ها مشغول بودند، صنایع وابسته که پایگاه امپریالیسم بوده اندوهستندچه وضعیتی خواهند یافت؟ آیا بانکها که عامل تسلط سرمایه های مالی امپریالیستها ویکی ازارکان جذب دسترنج کارگران وزحمتکشان است، ملی میشود؟ کنترل واداره آنها چگونه ودرجهت منافع چه کسانی خواهد بود؟ صنعت نفت به چه صورتی اداره می شود و درآمدهای حاصل ازآن درچه جهتی است؟ آیا درجهت منافع کارگران‌و دهقانان وزحمتکشان است؟ یا مجددا درجهت تحکیم قدرت امپریالیستها وسرمایه داران وابسته به کار گرفته خواهد شد؟ قوانین ضد کارگری‌وضد دمکراتیک، قوانینی که حافظ تمام وکمال منافع سرمایه داران وابسته است وکارگران رابه برده تبدیل کرده، لغو خواهد گردید؟ برای بهبود وضعیت کشاورزی وجبران خانه خرابی های دهقانان، برای انجام اصلاحات ریشه ای ودمکراتیک، برای جلوگیری ازاجحافات کشت وصنعتها شرکتهای سهامی زراعی وسایر موسسات مشابه چه اقداماتی خواهدشد؟ برای تامین آزادی اجتماعات وتظاهرات، آزادی کامل قلم وبیان‌واعتقادا آزادی تشکیل احزاب وسازمانهای سیاسی، صنعتی، فرهنگی واجتماعی چه پیش بینی هائی کرده است؟ آیا برابری کامل حقوق زنان ومردان درتمام زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی درنظر گرفته شده است؟ حقوق ملی ودمکراتیک خلقها درتعیین سرنوشت خود تامین وبه رسمیت شناخته خواهد شد؟

پاسخ عملی به این مسائل وخواستهای مردم است که محتوای جمهوری اسلامی راروشن خواهد کرد ونتایجی بر ای کارگران‌وزحمتکشان که خون بهای سنگینی پرداخته اند، به بار خواهد آورد.

درباره حوادث گنبد

فدائیان موظفند سخن بگویند

میهن پرستان موظفند لب به سخن بگشایند، حقایق رابرای‌مردم بازگو کنند، همه چیز رابگویندتا، افشا شوندتوطئه گرانی که تلاش می کنند دستاوردهای مبارزات مردم وقیام قهرمانانه شان راپایمال کنند، انقلاب ستمکشان رابه کج راه کشانند، پیروزی انقلاب رابستر ارتجاع وابسته به امپریالیسم مانع شوند، وازاحقاق حقوق زحمتکشان وخلقهای مبارز میهنمان جلو گیرند.

همهٔ مردم باید ازتوطئه‌ای کثیف باخبر شوند. همه باید بدانند ارتجاع زخم خورده باچه حلیه هائی میکوشد دربین مردم تفرقه بیندازدونیروهای مردمی رادربرابر یکدیگر قرار دهد، وچگونه می خواهد پیگیرترین، پایدارترین وپا کباخته ترین نیروهای مدافع مردم رانیرویی دربرابر مردم جلوه دهد. چگونه می خواهد میراث حماسی جان باختگان‌خلق رالوث کندوهرندائی‌راکه‌حق می طلبددرسینه خاموش سازدوچگونه می خواهدبااعمال‌توطئه گرانه، حیثیت انقلابیون فدائی خلق وحیثیت انقلاب وقیام مردم رالکه دار سازد. همه باید بدانند مرتجعان توطئه گر آنگاه که منافع مادی خود را درخطر ببینند، آنگاه که مشاهده کنند که دیگر استثمار وحشیانه خلق چندان هم ساده نیست، ازمبادرت به بی شرمانه ترین جنایات هم دریغ نخواهند کرد.

بقیه درصفحه ۷

چگونگی تشکیل شورای کارگران دریك کارخانه

دراین شماره جریان تشکیل شورای کارگران کارخانه گلوکوزان ودستاوردهائی که این شورا در مدت کوتاه حیات خود داشته است به اطلاع خوانندگان میرسد.

کارخانه گلوکوزان‌واقع درشهر [illegible] کارگر دربردارد. تولیدات این‌کارخانه مواد غذائی ازقبیل نشاسته، گلوکز، خوراک دام وچند محصول دیگر غذائی است. این کارخانه جزو صنایع وابسته به انحصارات غربی است و یک شرکت چند ملیتی ۴۰ـ۵۰درصد سهام را در اختیار دارد. قسمتی از مواد اولیه مورد نیازکارخانه از خارج وارد میشود.

صبح روز دوشنبه ۲۳ بهمن ماه سال گذشته همزمان باپیروزی قیام تهران بود که کارگران کارخانه جلوی نگهبانی جمع شده بودند وفریادهای مرگ برشاه مرگ‌بربختیار، مرگ‌برمدیر عامل طنین انداز بود. رژیم سلطنتی سقوط‌کرده بود. شور وشوق کارگران بی اندازه بود. فریادهای بلند مرگ‌بر تمام کارفرمایان سرسپرده، کارگران را ذوق زده کرده بود.

ازیکماه پیش که کارخانه بصورت نیمه تعطیل درآمده بود، کارگران در کارخانه جمع میشدند وبطور جمعی به بحث می پرداختند. ازاتحاد کارگران درمقابل کارفرما جهت احقاق حقوق خود صحبت میکردند، ازشوراها نیز صحبت میکردند، اما اکنون روزی دیگر بود. اکنون زمان آن رسیده بودکه کارگران آن حرفهاراعملی کنندبخصوص که دیگر ازماموران حکومت نظامی‌ودیگر عوامل سرکوب خبری نبود وهریک به سوراخی گریخته بودند.

پس دراین لحظه خاص "چه باید کرد؟". پیشنهاد شد که برای رسیدن

بقیه درصفحه ۵

ارتش خلق چیست؟

رفقای کارگر سئوالات زیادی درمورد پاره ای مسائل اجتماعی ازماکرده اند که ازاین به بعد سعی خواهیم کرددرهرشماره به یکی ازآنها پاسخ گوئیم. دراین شماره تحت عنوان ارتش خلق چیست به یکی‌ازاین پرسش ها پاسخ خواهیم‌گفت.

تاریخ تمام جوامع اززمان بوجود آمدن طبقات تاکنون تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است. مبارزه به صورت قهرآمیز ویاغیرقهرآمیز همواره دراین جوامع وجودداشته ومبارزه مسلحانه ادامه مبارزه سیاسی وعالی ترین شکل مبارزه است. در جوامع طبقاتی دونوع سیاست راازیکدیگر جدامی کنیم. سیاست طبقه ایکه دیگران را استثمار وسرکوب می کندوسیاست طبقه ای که استثمارو سرکوب می شود. استثمارگران برای اعمال‌سیاست

بقیه درصفحه۲

آقای قطب زاده!

هدف ازپخش اخبارجعلی و تحریك آمیزچیست؟

درراهطه باوقایع وبرخوردهای مسلحانه که درگنبدجریان داشت، بارهابیانیه هائی ازطرف سازمان چریکهای فدائی خلق به تلویزیون داده شد. این بیانیه هاکه جهت روشن کردن حقایق برای هموطنان وافشای توطئه های مرتجعین بود وبه صراحت عدم دخالت مارادر جنگ های گنبد بیان کرده و ادامه جنگ راازهر طرف محکوم کرده بود از تلویزیون خوانده نشد وگفته شد که بنابه تصمیم مسئولان تلویزیون اعلامیه های گروههای سیاسی ازتلویزیون خوانده‌نمیشود. (گویاآقای قطب زاده هم قبلادرسخنرانیهای خودچنین گفته بود) بدون شک، پخش بیانیه سازمان مامیتوانست درجلوگیری‌از زدوخوردها وحل صلح آمیز مسائل‌گنبد موثر

بقیه درصفحه ۷

کارگران سخن میگویند:

ازآنجاکه رفراندم به پایان رسیده ومردم کشور ماالکنون خواستار تغییراتی انقلابی درتمام سطوح جامعه هستند، لازم دانستیم بخشهائی ازبحث وگفتگوی کارگران رادراین شماره بیاوریم که گویای خواستهاو انتظارات آنهاازبرنامه آینده دولت است.

بقیه درصفحه۲

اول ماه مه

روزهمبستگی جهانی کارگران

اول ماه مهٔ (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران، عید انقلابی زحمتکشان سراسر جهان است. بیش از ۹۰ سال است که زحمتکشان کشورهای مختلف، این روز را با تظاهرات، راهپیمائی و جشنهای با شکوه برگزار میکنند. در این روز تاریخی میلونها کارگر در سراسر جهان دست از کار میکشند و خواستههای خود را با شرکت در مراسم اول ماه مه بیان میکنند.

تاریخ اول ماه مه به وقایعی بر میگردد که در سال ۱۸۸۶ در امریکا اتفاق افتاد.

بقیه در صفحه ۴

دراین شماره

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کارگران سخن میگویند:

بقیه از صفحه اول

" هنوزمفهوم جمهوری اسلامی رابمانگفته اندکه یعنی چه ؟ آیا برای زحمتکشان وقشرهای پائین برنامه هائی درنظرگرفته اند ؟ وقتی من کارگر ندانم برایم چه چیز درنظرگرفته شده ، به چه چیز رای بدهم ؟

* * *

" من یک کارگر برق هستم . تابحال برای ماکارگران کسی کاری نکرده است ، ولی وقتی که کسی میخواهدمارای بدهیم ، دیگرباهم بی حسابیم. آقای خمینی گفته پول کارگرهارابدهید .چرانمی دهند ؟ مگراین حرف اسلامی نیست ؟ چراعمل نمیکنند ؟ "

* * *

" الان میگویندکه پول تلفن فلان قدرشده ، که من اصلا" تلفن ندارم . میگویندآب وبرق اینقدرشده ، که همان چیزی راکه قبلا" میدادم الان هم دارم میدهم . هیچ چیز تغییری نکرده ، اگرمامیخواهیم بهاسم رای بدهیم که آن مسئله جداگانه ای است . ولی اگربه خواستهایمان رسیدگی میشود ، آن برایم مهم است . "

* * *

" اگردررفراندم شرکت نمیکنم ، به اینخاطرنیست که ازاسلام اکراه قلبی دارم . یابگویم خدانیست وغیره ، اگرحتی یک عده بیایندو بخواهندجمهوری سوسیالیستی برقرارکنندورفراندم بگذارند ، بازهم ما خواسته هایمان رامیخواهیم . میخواهیم بدانیم آن جمهوری چه کاری برای مامردم وطبقات زحمتکش میکند ؟ مسئلهٔ دین اصلا" مطرح نیست . ما خواسته داریم . ماچیزهائی رامیخواهیم که درجامعهٔ گذشته ازدست دادیم ومیخواهیم آن رژیمی که سر کارمیآید ، حقوقمان رابدهد . این راهم بگویم که بعضی ازرفقامیگویندکه چون این رژیم حق مارانمیدهدرای نمیدهیم . ماحق نمیخواهیم ، حق رامیگیریم . "

* * *

" اول بایدببینیم ماهیت این دولت چیست ؟ ونمایندهٔ کسی هست ؟ بعدخواسته هامانرابگوئیم وتوقع داشته باشیم خواستهٔ کارگررا برآورده کند . اگراین دولت نمایندهٔ مردم است ، بایدمنافع مارادرنظر بگیرد . اینکه آب وبرق وتلفن رامطرح میکنند ، اینهاچیزهای جزئی است . یک چیزکلی تری هست که آن قانون است . مابایدبدانیم اصلا" چه قانونی میخواهندبرای مابگذارند . قانون اساسی الان مهمترین چیزی است که باید درباره اش حرف زده بشود . دراین قانون اساسی برای کارگرچه چیزی در نظرگرفته شده ؟ مسئله این نیست که فلان کس حرفی رامیزندوفلانی اجرا نمیکند . مسئله سیستم است . مسئله آن نظام اجتماعی است . ارتش ، فرهنگ ، دادگستری به همان شکل قبلی است . پس قوانین قبلی هم دارد اجرامیشود . مجلس موسسان قانون اساسی رامینویسد . آیندهٔ من توی همین قانون اساسی است . اگراین دولت موقت واقعا" ازمنافع مردم دفاع میکند . چراقانون اساسی رااول ننوشت وبمانگفت ؟ "

* * *

" مانه تضمینی برای رفراندم داریم ونه میدانیم جمهوری اسلامی چی هست ؟ اصلا" معلوم نیست حرفهائی که زده میشودحرفهای چه کسی است ؟ آدمهای غیرمسئول میآیندودرست ضدونقیض هم حرف میزنند آقای بهشتی یک چیزی میگوید ، بنی صدریک چیزدیگر . آن بهشت موعودی که میگویندجمهوری اسلامی است ، کدام یک ازاینهاست ؟

مثلا" چقدرروی این سرلشگرقره نی تکیه شد ، اسرارومدارک ردشد ، آقایان قبول نمیکردندوحرف خودشانرامیزدند ، بعدخودشان عوضش کردند .. پس کدام حرف درست است ؟

میگویندجمهوری اسلامی مترادف است باآزادی واستقلال . آیا توضیح هم میدهندچه نوع آزادی ؟ وچه نوع استقلالی ؟

آقای بنی صدر میگویدکه خوب مخالفین ضرورت ندارد که رای "نه" بدهند بیایندرای سفیدبدهند . مثل اینکه ایشان درآسمان زندگی میکنندیاهنوز دراروپاهستند . درحالیکه همه میدانیم که درکارت رفراندم اصلا" جای سفیدنیست . خلاصه هردسته وگروهی استنباط های خودش رااز جمهوری اسلامی داردوبنابه سلیقه خودش فکرمیکندوهیچوجه هم این حرفهاضامن اجرائی ندارد . "

* * *

" من میخواهم بدانم ، آیادرآینده ، کارخانجات کفش ملی ، ماشین سازی ، ناسیونال ، ماشین سازی خاوروخیلی ازاین نوع کارخانجات ملی خواهندشدیانه ؟ اکثرکارخانه هاوشرکت هایاخارجی هستندیابه دربار وعده ای سرمایه داروابسته تعلق دارند .

حقوق ومزایای زحمتکشان به چه طریق خواهدبود ، باگذشته چه فرقی خواهدداشت ؟ آیادرقانون اساسی جمهوری اسلامی تمام این مسائل روشن خواهدشد ؟ آیابانکها درجمهوری آینده میتوانندمثل سابق به کار خودادامه دهند ، آیاملی خواهندشدیانه ؟ "

* * *

" مامیگوئیم هرمرام ومسلکی که می خواهددراین مملکت باشد ، بایدمنافع توومن کارگررادرنظربگیرد . هردینی باشد ، فرقی نمیکند ، مسئله منافع مردم ماست . اگرجمهوری اسلامی منافع ماراتامین میکندچه بهتر ، جمهوری اسلام باشد . اگرجمهوری دیگری میخواهدمنافع ماراتامین کند باشد . مهم اینست که مابفهمیم چه کسی واقعا" میخواهدمنافع ماراتامین کند . "

ارتش خلق چیست؟

بقیه از صفحه اول

خود به نیروی ارتش ضد خلقی متکی می شوند . درمقابل آن استثمارشوندگان ، درجریان مبارزه ونبرد علیه ستم طبقاتی درجریان انقلاب خلق ودرطی نبرد مسلحانه بسیار طولانی وفوق العاده دشوار ارتش خلق رابه وجود می‌آورند . به این ترتیب درجریان انقلاب دوشکل حکومت ، دونوع جنگ ، ودو ارتش جدا ازهم ودرمقابل هم دیده میشود . یکی انقلابی است وازمردم سرچشمه می گیردودیگری ضدانقلابی است . از بالا درست شده وتحمیل می شود .

ارتش خلق ارتشی است که میهن پرستان انقلابی ، تمام ملیتها واقلیتهای گوناگون درآن علیه امپریالیسم ووابستگانش می جنگند . ارتش خلق طی مبارزاتی طولانی براساس خدمت داوطلبانه تشکیل می‌شود . تمام کادرهاوسربازان درهدفهای مبارزه خود ودرچهارچوب خواستهای طبقاتی خود باهم متحد میشوندوباورود جوانان پیشاهنگی که بخاطروطن داوطلبانه وارد ارتش شده اند رشد می یابد وگسترش پیدامی کند .

ارتش خلق ازنبرد مردم برعلیه امپریالیسم وارتجاع وابسته به آن جدا نیست وبا تکیه برشور انقلابی وشرکت مردم وپشتیبانی آنها ، هم به هنگام صلح وهم به هنگام جنگ هر لحظه میتواند وظیفه اش راکه دفاع ازصلح ومیهن است انجام دهد . دفاع ازانقلاب تدارک وآماده شدن برای درهم شکستن هرنوع توطئه امپریالیزم ومحو کامل سلطه آن جز باارتشی انقلابی امکان پذیر نیست .

ارتش خلق اززحمتکشان تشکیل میشود . ارتشی است که استخوان بندی آنرا کارگران ودهقانان تشکیل می دهند وبهترین عناصر طبقات انقلابی را در خود جای می دهد . بیش ازهمه طبقه کارگر ودهقانان درآن شرکت دارند ، از همه ملیتها عضو گیری می کند ، ابزاری درخدمت مبارزه انقلابی برای رهائی طبقه کارگر ازهرگونه ستم واستثمار است . ارتش خلق قدرت مسلح دولت دمکراتیک خلق راتشکیل می دهدواز حاکمیت خلق دربرابر دشمنان داخلی وخارجی دفاع می کند . خصلت ارتش خلق همان خصلت طبقه کارگر است . ازاین رو هدف مبارزه اش در پیکار علیه امپریالیزم ووابستگانش همان هدفهای طبقه کارگر وخلق است . یعنی : نابودی امپریالیستها و نوکرانشان وایجاد کشوری آباد و آزاد که همه مردم وخلقها بطور مساوی در صلح ، بدون استثمار انسان ازانسان درکنار هم زندگی کنند .

ارتش خلق ، حقیقتا فرزند خلق است وخلق به سهم خود ازهیچ گونه کمک وپشتیبانی نسبت به آن فروگذار نمی کند . منبع انرژی وقدرت ارتش خلق درهمین مسئله نهفته است . ارتش خلق ازاین امر غافل نیست که بامردم کشور روابط ومناسبات خوبی برقرارکند ، زیرا هردو دارای یک هدف اند . خلق وارتش خلق قلب واقعی مبارزه علیه دشمن به خاطر رهائی مردم وطبقه کارگرند . ارتش خلق ازمردم ومردم از ارتش خلق اند . ارتش خلق درجبهه‌ها می جنگد ، ازمنافع خلق درمقابل ، امپریالیزم وارتجاع وابسته به آن دفاع می کند . درامر آموزش مردم همکاری می کند وخلاصه هرآنچه ازدستش برمی آید برای مردم به بهترین وجهی انجام می دهد . دربرخورد بامردم و تماس با آنان ارتش خلقی این مسائل رارعایت می کند : احترام به خلق ، پشتیبانی ازخلق ودفاع ازخلق . وفقط به این ترتیب است که میتواند از پشتیبانی خلق برخوردار شود . فقط به این ترتیب است که خلق وارتش می توانند رابطه ای جدائی ناپذیر باهم داشته باشند . درهنگام صلح ستونهای منظم ارتش خلق درساختن وتعمیر راههای ارتباطی ، استفاده از زمینهای بایر برای ایجاد مزارع کشاورزی شرکت درامور تولیدی ، مبارزه علیه طغیان آب ، سیل وخشکسالی شرکت فعال می کند . شوراهای منتخب کادرهای ارتش خلق است که فرماندهان وقوانین ومقررات آن را تعیین می کند . این شوراها به شیوه آزادانه وباشرکت همه کادرهای ارتش انتخاب می گردد ، روی این اصل ارتش خلق ارتشی دمکراتیک است . وبنابه سازماندهی خاص آن ازافرادی ترکیب یافته که کاملا آزادانه برای انقلاب مردم مصمم شده‌اند وبرای تامین منافع وخواستهای مردم مبارزه می کنند وازآزادی ودمکراسی آنان دفاع می کنند . اصول دمکراتیک رهبری که دردرون ارتش خلق حاکم است انضباطی آهنین رابه وجود می‌آورد . این نظم وانضباط ارتش خلق آگاهانه وآزادانه است . دردرون ارتش خلق بین کادرها مناسبات متقابل رفیقانه ای برقرارخواهد بود . افسران وسربازان که خود ازکارگران ودهقانان منشاء گرفته اند همانند آنان ، نماینده شرکت بی دریغ درتحقق آرمان مردم و طبقه کارگر ومنافع وخواستهای آنانند . تجربه نشان داده که هرچه بیشتر در درون ارتش خلق دمکراسی به تحقق بپیوندد ، روحیه همبستگی درونی ونظم وانضباط نیز تقویت خواهد یافت . دستورات آسانتر اجرا می شودوروحیه رزمندگی ارتش نیز دردفاع ازمردم ومنافع آنها افزایش مییابد . تاریخ نشان داده است که یک ارتش خلقی که مهمات واسلحه کافی ندارد ولی برای امر عادلانه ای مبارزه می کند واستراتژی وتاکتیک صحیحی بکار می برد ، عملا درموقعیتی قرار می گیرد که برارتش مدرن امپریالیستهای متجاوز وداروسته وابسته به آنها پیروز گردد .

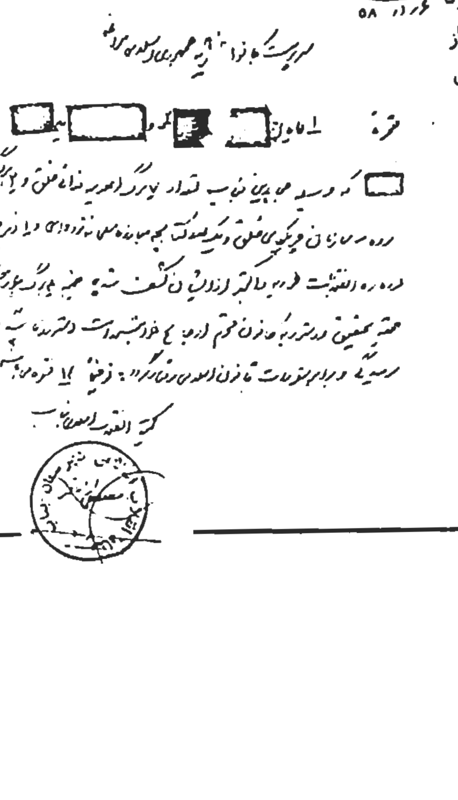
"بااستفاده ازتجربیات رفقای "
"ویتنامی"

گزارشی ازیک بازجوئی در"کمیته اسلامی بناب"

ازمیاندوآب عازم تبریز بودیم . درشهرستان بناب ، افراد کمیته انقلاب جلوی ماشین راگرفتند . ازنحوه تجسس ورفتارشان معلوم بود که دنبال اعلامیه وجزوه می گشتند . نشریه " کارفوق العاده "ویک جزوه درباره انقلابهای فوریه واکتبر ، ازداخل ماشین مابرداشتند وبخاطرآن مارادستگیرکردند وبه " کمیته " بردند. دوتن ازهمراهانمان رابشدت زیر ضربات مشت ولگد وقنداق تفنگ وکابل گرفتند . ازصبح تاعصر درکمیته بودیم ، سرنشینان دو اتومبیل دیگر راهم به جرم داشتن اعلامیه دستگیر کردند . مردی که اسمش "آقا شیخ مصطفی "بود ازماخواست تعهدی بنویسیم که دیگراز حمل وحتی خواندن "اعلامیه های ضدانقلابی ! و " ارتجاعی! " خودداری کنیم . سرانجام باوساطت یکی از معلمان مارابه مراغه بردند . درمراغه باهمکاری اعضاء کانون فرهنگی آزاد شدیم .

باید گفت که بخشی ازمردم بناب به شدت ازاعمال کمیته ناراضی اند وخواستار انحلال کامل آن میباشند .

۲۸۱
۶/۱/۵۸



اخبار کارگری
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۵۸
سال اول شماره ۵ ـ صفحه۳

ما وعده نمی‌خواهیم، ماکارمیخواهیم

این روزها ازهمه جا خبر ازاعتراضات وسیع کارگران بیکار میرسد. تاچند ی پیش که‌کسب وکار رونق داشت، سرمایه داران برای بردن سودهای کلان کارگران رااستثمار میکردندوازثمره کار آنها میلیونها تومان ثروت می اندوختند. کارگران انتظار داشتند که باانقلاب وضع آنها بهتر شود، اما اکنون یک میلیون‌کارگر بیکار وجود دارد.

چرا دولت درمورد کارگران بیکار تصمیم جدی نمی گیرد؟ دولت باید سریعا درجهت بازگرداندن‌کارگران بیکار به سرکار خود اقدام کند.

کارگران که ستون اصلی انقلاب بودند، امروزه بیش ازهمه اقشار و طبقات باید مورد توجه قرار گیرند. امادرعمل چنین نیست. بقول یکی از کارگران که درراهپیمائی کارگران بیکار شرکت داشت "کارگرانی که‌در حین انقلاب سینه‌ی خود راسپر گلوله کردند باید بیکار باشندوحال آنکه کسانی که به روی مردم آتش می گشودند حقوق ومزایا وخواربار بگیرند."

اخبار مندرج در این صفحه خود بیان کننده این امر است.

اصفهان ـ کارگران بیکار در اصفهان که عمدتا دربخش ساختمانی درمحل شرکت های سازنده‌کارخانه‌های بل هلیکوپتر، جی ـ اچ ـ بی ـ پلی اکریل، فلور وچند شرکت دیگر کار میکرده اند، مدتی است که بیکار شده‌اند. طبق گزارش رسیده ازاصفهان درششم فروردین حدود ۷۰۰۰ نفر ازکارگران بیکار بادادن شعارهائی مانند "حقوق کارگر پرداخت گردد، نباید‌کارگر اخراج گردد" و "ماوعده نمی خواهیم، ماکار می خواهیم "بطرف اداره کار راهپیمائی نمودند. آنهاقبلا طی قطعنامه ای خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کرده بودند:

۱ـ برسمیت شناختن شورای کارگران بیکار که درصدد تشکیل آن هستیم.

۲ـ عدم جلوگیری ازاجتماعات کارگران بیکار ازطرف هرمقام ونیروئی.

۳ـ ماخواهان دریافت حقوق ومزایای عقب‌افتاده‌مان برمبنای آخرین دستمزد هستیم.

۴ـ ماخواهان دگرگونی درقوانین فعلی کار که مدافع منافع کارفرمامیباشد هستیم.

۵ـ ماخواستار آن هستیم که هر قانون یاتصویب نامه ای درامور کار وکارگری بانظر نمایندگان واقعی ومنتخب کارگری (که‌درمحیطی آزاد وبدون اعمال نظر گروهی خاص انتخاب میشوند) باشد.

۶ـ آزادی اعتراضات وقانونی بودن اعتصابات.

۷ـ اخراج کلیه سرمایه داران‌و ـ کارشناسان خارجی ومصادره اموال آنها به نفع کارگران.

۸ـ درنظر گرفتن ۴۰ ساعت کار درهفته‌وتعطیل بودن روزهای پنجشنبه وجمعه.

۹ـ مامخالفت خود راباکلیه شرایط وضوابط "وام کارگران بیکار" اعلام میداریم. زیرااین وام کارگشا نبوده وشامل همه گروههای کارگری نمیباشد.

بازگشت موفقیت آمیزکارگران برسرکار

تهران ـ بدنبال تحصن‌کارگران شرکت فسان درمحل دفتر شرکت واقع درآناتول فرانس درششم فروردین، طی جلسه ای که روز بعد باحضور کارگران، نمایندگان وزارت کارودوتن ازمدیران شرکت برگزار شد، خواستهای کارگران مورد بررسی قرارگرفت. ازجمله پیروزیهائی که کارگران بدان دست یافتند:

۱ـ کارفرما موافقت نمودکارگرانی راکه ازاول مهرماه ۵۷بعد ازکاراخراج‌و یا مفاصا حساب نموده اند مجددا با شرایط قبلی به کار بگمارد ودستمزد آنهارابه میزان دریافت های قبلی پرداخت نماید.

۲ـ قرار شد به کارگرانی که حقوق ومزایای آنهاکمتر از بیست هزار ریال میباشد معادل صددرصدوبه کارگرانی که بیش از بیست هزار ریال میباشد۷۵%بعدا درمقابل اخذ رسید پرداخت نماید.

عناصر مرتجع به‌کارگران متحصن حمله ورشدند

خرم آباد ـ درتاریخ نهم فروردین، جمعی از کارگران ودیپلمه های‌بیکاردراستانداری‌خرم‌آباد متحصن شدندو خواستار برآورده‌شدن خواستهای خود ازجمله امکان اشتغال برای بیکاران، ایجاد صندوق بیکاری، لغوقانون کار سابق، قطع هر گونه پارتی بازی درمحیط کار وادارات، تعیین مکان معینی برای تجمع بیکاران، اخراج افراد خارجی و استخدام افراد ایرانی به جای آنها.. شدند. اماتعدادی از عناصر مرتجع به‌همراهی وحمایت تعدادی ازافراد مسلح کمیته امام به داخل ساختمان محل تحصن یورش بردندوبامشت ولگد چاقو، پنجه بوکس وسرنیزه به متحصنین حمله ورشدند وآنهارامضروب ومصدوم نمودند. درهمان‌حال تیرهای هوائی نیز شلیک شد. این عناصر مرتجع سپس قصد حملة به بیمارستانی راکه مجروحین به آنجا منتقل شده بودند، داشتند که درمقابل اعتراض شدید مردم دست ازاقدامات وحشیانه خود برداشتند.

●●●

اتحّادکارگران تنهاعامل پیروزی

رامسر

درتاریخ۲۶و۲۷و۲۸اسفند ماه‌سال ۵۷ کارگران شهرداری رامسرکه تعدادآنها حدود ۷۰تا ۸۰ نفر بود، برای گرفتن حقوق عقب افتاده وپاداش وعیدی و پول لباس‌خود، جلوی شهرداری رامسر دست به تحصن زدند. کارگران پس‌از سه روز توانستند قسمتی ازحقوق خود را دریافت کنند وپرداخت بقیه به بعد ازمرخصی‌ایام عید موکول شد. درهمان روز اول کارگران شرکت تراست (شرکت آپارتمان سازی) پس از اطلاع ازاین تحصن، باآنکه خود درحال اعتصاب بودند، برای اعلام همستگی، به کارگران شهرداری پیوستند.

کارگران بامبارزه خود به سرکار باز گشتند

ساری ـ گروهی ازکارگران اخراجی کارخانه نساجی شماره ۲ شاهی که از سال ۵۱ به ویژه بعداز اعتصاب سال ۵۴ که منجر به شهادت پنج کارگرشده بود ـ اخراج شده بودند، برای‌بازگشت به کارخانه باتجمع درمقابل‌کارخانه وراهپیمائی بالاخره توانستندکارفرما رابه عقب نشینی وادار کنند. پس‌از مذاکراتی که صورت گرفت درحدود ۳۰۰ کارگر به سرکار باز گشتند. رسیدگی به پرونده بقیه کارگران اخراجی ادامه دارد.

رشت ـ دوشنبه ۶فروردین

تحصن ـ کارگران شرکت ساساکو وماسیکو، وابسته به کارگاههای ساختمانی شرکت نفت، باگروگان گرفتن فرهنگ رئیس اداره کارگزینی، ویکی ازکارمندان عالیرتبه شرکت درمحل ادارهٔ کار، دست به تحصن زدند.

به‌خواستهای کارگران باید پاسخ مثبت داده شود

زاهدان ـ کارگران سرکت مانای زاهدان ضمن اعلام پشتیبانی خود ازخواسته های برحق همه کارگران، خواسته های خود راطی قطعنامه ای تنظیم کردند. دراین قطعنامه ازجمله به مسئله پرداخت حقوق کلیه کارگران اعم از اخراجی‌و کسانی که بعلت تعطیل شدن کارگاهها بیکار شده اند، بکار گماردن تمام کارگران، افزایش حقوق، لغو قانون ضد کارگری قبلی وبه رسمیت شناخته شدن شورای واقعی کارگران صحبت شده است.

راهپیمائی بزرگ‌کارگران اخراجی وبیکارمهاباد



کارگران اخراجی وبیکارمهاباد روزپنجم فروردین ماه دریک راهپیمائی بزرگ‌شرکت‌کردندوضمن‌اعلام همبستگی باسایرکارگران‌ایران طی قطعنامه ای خواستهای‌خود رامطرح نمودند. بخشی ازاین قطعنامه چنین است:

"اینک که انقلاب ایران توسط عده ای پایان یافته تلقی‌میشود، ما کارگران‌بیکارمهاباد، عملا تغییری درزندگی‌خوداحساس نمی کنیم... ما هنوزهم بیکاریم‌وبدنبال‌کار میگردیم. ماکارگران‌بیکارمهابادبا اعلام کردن خواستهای‌خودازمقامات مسئول مصرانه می‌خواهیم، برای‌اینکه‌خون شهدای‌بخون خفته‌ماهدرنرفته‌باشد، به‌ندای‌حق‌طلبانه ماپاسخ‌مثبت دهند... ماازتمام نیروهای‌انقلابی ومبارزی که خود راطرفدار کارگران‌ودهقانان میدانند، میخواهیم که‌برای‌رسیدن‌به حقمان مارا یاری رسانند. ماضمن‌اعلام‌همبستگی با خواستهای‌سایرکارگران‌ایران خواستهای خود را به این ترتیب اعلام میداریم:

۱ـ تمام کارگران اخراجی به سرکار خود بازگردند.

۲ـ حقوق عقب افتاده کارگران بی کم وکاست پرداخت شود.

۳ـ ایجاد کارخانه‌وشرکت درمنطقه جهت اشتغال برای بیکاران.

۴ـ ایجادصندوق‌بیکاری از ـ طرف دولت برای پرداخت حقوق کارگر درمواقع بیکاری‌وپرداخت‌وام شخصی بدون بهره به کارگران.

۵ـ تأمین‌مسکن‌برای تمام کارگران.

۶ـ لغو کلیه بدهیهاوتعهدات مالی کارگران، دهقانان، پیشه وران کارمندان‌جزء‌به‌بانکهاوموسسات دولتی

۷ـ طرح پیشنهادی دولت درباره چگونگی پرداخت وام به‌بیکاران رارد میکنیم، چون‌شرایطی مانند‌ازهر خانواده به‌یک‌نفر، ومبلغ محدودوشرایط سنی۲۶تا ۶۰ سال کاملاً ضد کارگری است.

پالایشگاه نفت پارس

تحصن موفقیت آمیز کارگران

تهران ـ درتاریخ بیست وهفتم اسفند کارگران پالایشگاه نفت پارس‌که نسبت به کاهش سود ویژه خود درمقایسه باسال گذشته اعتراض داشتند درمحل کار خود متحصن شدند. بالاخره پس ازمذاکراتی که درروز بیست وهشتم صورت گرفت رئیس کارخانه توافق کرد که سود امسال کارگران رابرمبنای سال گذشته وباحقوق امسال پرداخت نماید.

وام‌کارگری به‌مصارف غیرکارگری میرسد

خرم آباد ـ مبلغ ۹۰۰٬۰۰۰ ریال وام وزارت‌کار که اخیرا به کارگران‌خرم‌آباد اختصاص داده شده است به کمیته اسلامی خرم آباد فرستاده شده وبه مصارف غیر کارگری رسیده است. باتوجه به‌اینکه کمیته اسلامی خرم آباد خود رادرمقابل کارگران مسئول نمی داند معلوم نیست به چه دلیل اعتباردولت که برای کارگران درنظر گرفته شده بود، دراختیار این کمیته گذاشته شده است.

سیاست ضدکارگری بعضی ازکمیته‌های اسلامی

درحال حاضر دراکثرکارخانه ها و موسسات تولیدی، کمیته های اسلامی برای کنترل واداره نظم کارخانه ها تشکیل شده است. دربعضی ازاینها کمیته های اسلامی تلاشهایی برای زیر پا گذاشتن حقوق کارگران وسرکوب روحیه حق طلبی آنان صورت میگیرد.

درشرایطی که ازیک سو سخنگوی دولت، کارگران فعال ومبارز راضد انقلابی میخواند وخواهان دستگیری ومجازاتشان میشود وازسوی دیگربرخی کمیته های اسلامی شیوه های غیرمردمی گذشته راتکرار میکنند، طبعاعناصر ضدانقلابی دردرون کارخانه فرصت پیدا می‌کنند نام کمیته اسلامی رابهانه قرارداده وازهر موقعیتی استفاده کنند تاباارعاب وسرکوب کارگران حقوق آنان را پایمال کنند.

اعلامیه کمیته‌اسلامی شرکت پشم شیشه ایران که عینا درزیر چاپ‌می‌شود نمونه گویائی ازاین تلاشهای ضد انقلابی است.

بسمه تعالی

بنابه امر امام ودولت ووزارت کار کلیه اختلافات کارگری بایست دروزارت کارو باحضور نمایندد صلاحیتدار آن‌وزارت‌خانه‌انجام شود. لذا قویا ازکارگران اخراجی خواسته میشودکه ازمراجعه به کارخانه خودداری کنند. درصورت عدم‌مراعات این امر نام وآدرس‌هرکدام ازکارگران اخلالگر که مانع انجام کار صحیح شرکت چه درداخل وچه‌در خارج کارخانه بشوند به کمیته امام داده خواهد شدتا بعنوان افرادضد ـ انقلاب مورد رسیدگی قرارگیرد.

کمیته اسلامی شرکت پشم شیشه

تهران ۱۳۵۷/۱۲/۲۸

پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۵۸
سال اول شماره ۵ – صفحه ۴

ادبیات کارگری

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چه هنرمندانی از واقعیت می‌گریزند؟

پیش‌ازآنکه بحث خود رادرمورد ادبیات کارگری ادامه دهیم‌لازم‌است به سئوالی که ممکن است تابحال پیش‌آمده باشدپاسخ کوتاهی‌بدهیم . ماگفتیم که یکی ازخصوصیات هنر این است که هدفی‌دارد وپیامی‌درآن هست . قبل ازآن هم گفته بودیم که برای بوجود آوردن هر اثرهنری اجباراً باید ازواقعیت الهام گرفت . این دوموضوع ممکن است بازمارا دچار اشتباه کندوفکر کنیم که بنابراین آثار هنری وادبی همه خوب هستندوبهتریابدتر بودن آنها فقط بستگی به درجهٔ ذوق واستعدادهنرمند دارد .

ولی‌ماهیچوقت نباید فراموش کنیم که هنرمندهاهم مثل بقیه مردم به طبقات مختلف تعلق دارندوهرکدام ازمنافع طبقهٔ خودشان دفاع‌میکند .ماقبلاهم‌این موضوع راتوضیح داده بودیم . درست است که درهراثرهنری ، هدف وپیامی هست ، اماچه هدف یاپیامی ودرجهت منافع کدام طبقه ؟ درست‌است‌که‌برای بوجودآوردن هراثر هنری اجبارا باید ازواقعیت الهام گرفت ، اما آیا هنرمند به واقعیتی که الهام بخش اوبوده وفادارمانده ؟ یابه‌آن پشت کرده وواقعیت را به یک چیز غیرواقعی‌ومسخ شده‌تبدیل کرده است ؟این هاهستندکه روشن میکنند انواع هنر وادبیات چه تفاوتهائی‌باهم دارند وکدام نوع آن درجهت منافع توده های مردم وزحمتکشان است .

دراینجاهم مانند شماره قبل می بینیم که همه انواع هنرو ادبیات وسبک هاوشیوه های مختلف به دوگروه عمده تقسیم میشوند :

"واقع گرا" (رئالیست)و " واقع گریز"(یا ضد رئالیست) . ماگفته بودیم که دراین ستون (که‌ادبیات کارگری است‌و طبعا "واقع گرا " و" رئالیست " است) کاری باگروه دوم یعنی هنروادبیات به‌دورازواقعیت‌وضدرئالیست نداریم . اما لازم میدانیم پیش ازپرداختن‌به واقع‌گرائی‌که درآینده به طور منظم دربارهٔآن صحبت خواهیم کرد ،کمی توضیح‌بدهیم که اصولا فرار ازواقعیت چه معنی وچه لزومی دارد؟ ماگفته بودیم که بعضی ازهنرمندان ازواقعیت‌بدشان می آید یا آنرا بامنافع خودشان درتضاد می بینند وچون امکان اصلاح‌آن راهم ندارندبه‌آن پشت میکنندوازآن‌می گریزند . امااین چیزی است که به نظر آدم عجیب‌می آید واین سئوال مطرح میشود که چراباید این طور باشد؟ بهتراست‌ببینیم آیا اصولا واقعیت چیست وچه خصوصیاتی داردکه بامنافع بعضی ها جوردر نمی آید وازآن فرارمیکنند .

مهمترین‌خصوصیت‌واقعیت‌این‌است‌که‌ثابت‌نیست‌وهمیشه‌درحال حرکت‌وتغییراست . حتی سنگ هم تغییرمیکند وبه مواد مختلف معدنی تبدیل‌میشود .آهن هم زنگ میزند وعوض میشود . هیچ چیزی دردنیا نیست که دائما‌درحال‌حرکت وتغییر نباشد . اما آیا همه بااین حرکت‌و تغییر موافقند؟ اگر تغییر یک چیز به معنای بهتر شدن وتکامل پیداکردن آن‌باشد ، ماباید با آن موافق باشیم . مثلا سنگ آهن به خودی خود هیچ خاصیتی ندارد اما وقتی، در کوره ذوب آهن می افتد ،تغییر پیدامیکند وتبدیل‌به‌چیز بهتر ومفید تری میشود.اما اگر آهن بخواهد زنگ بزند ماباید بااین تغییر مخالفت کنیم . به همین دلیل‌است که ماروی وسائل آهنی رنگ میزنیم وسعی میکنیم اززنگ زدن آنها جلوگیری کنیم .

اگر درمورد جامعه صحبت کنیم ، میبینیم که طبقات مختلف جامعه‌درمورد تغییر جامعه ، نظر واحدی ندارند . مثلا یک کارگربی چیز ویک‌سرمایه‌دارمفت خور وپولدار رادرنظر بگیرید . فقرآن اولی وثروت این دومی ، هرکدام یک واقعیت است که باید تغییر کند . یعنی در واقع آن جامعه ای‌که‌عده‌ای‌را فقیر وعده ای راثروتمند میکند ، باید تغییر کند . آن کارگربی‌چیز قطعا به تغییر اعتقاددارد وآنرا تائید میکندودرراه‌آن مبارزه هم‌میکند تا وضع خودش راتغییر بدهدو بهتر کند . اماآیا دومی یعنی آن‌سرمایه‌دارهم باتغییر موافق است؟ مسلما نیست . اوبرعکس حاضر است مبارزه‌کندتاجلوی حرکت وتغییر رابگیرد ووضع موجود راحفظ‌کندتا منافع‌خودش‌هم حفظ شود . پس میبینیم که واقعیت چیزهائی دارد که سبب‌میشود بعضی‌هاازآن بد شان بیاید ، اگر زورشان رسید باآن مبارزه کنند واگر نرسیدازآن فرار کنند وناديده اش بگیرند .

البته هنرمندانی که ازواقعیت فرارمیکنند همه آدمهای مفت‌خور وپولداری نیستند بعضی ازآنهاآدمهای محرومی هستندکه زندگی دشواری دارند وازنابسامانیهاوبیعدالتیها وفساد جامعه رنج میبرند .اما آنهایاباورشان‌نمیشودکه تغییر وضع جامعه ممکن است‌وفکر میکنند تاابد وضع‌جامعه همینطور خواهد بود ، ویااینکه نمیدانند اگر وضع جامعه‌تغییر کندچه‌چیزی [illegible] خواهد آمد وچون شناختی ازآینده ندارند درنتیجه بازهم مثل [illegible] نسبت به تغییر شرایط ، خوشبین نیستند .

درآثار این هنرمندان معمولا یأس وبدبینی وبی اعتقادی به انسان به چشم میخورد . آنها گاهی نابسامانیها وفساد جامعه ومشکلات دیگری راکه‌درروابط‌میان‌انسانهاوجوددارد ، خیلی‌خوب‌توصیف میکنند اما نه علت هارامیتوانند ذکرکنند که چرا جامعه به این‌صورت درآمده‌ونه راه‌حلی‌برای‌اصلاح‌جامعه‌میشناسندودرنتیجه‌وضع موجودرادائمی‌وهمیشگی تصور میکنند وآنرا به تقدیر وسرنوشت یا به خوی وسرشت انسانهاونظایرآن نسبت میدهند . وقتیکه کسی گوشه هائی‌ازواقعیت رانشان دهد امانتواند خوب‌روابط‌آنرابابقیه مسائل نشان بدهد ، ومسیر حرکت آن وتغییرات‌لازم راروشن کند ، امکان دارد حاصل کار شبیه به همان‌کسانی باشدکه‌آگاهانه برای حفظ منافع خودشان ، واقعیت راتحریف میکنند .

حال که دانستیم عمدتا چه کسانی به هنر وادبیات دوراز واقعیت یا " ضد رئالیستی " روی می آورند ، میتوانیم ازشماره بعدبطور منظم دربارهٔهنر وادبیات " واقع گرا " یا " رئالیست " که ادبیات کارگری نیز دررابطه باآن قراردارد ، صحبت کنیم .

ازکارگر به برزگر

ترجمه ازمتن ترکمنی

ازکارگر به برزگر

برزگر ، برزگر ، برزگر
به توافتخارمیکنیم
تکیه به کاروتوان توداریم
خاک سیاه به دست تست که سبزمیشود
پنبه زارهامان به نیروی تست که سپیدمیشود
توبخند ، باخندهٔ تست که غنچه هامان میشکفد
به غنچه های شکفته باخندهٔ تومینازیم
مینازیم به دست های بریده ازداس تو
به‌پاهای چرکین توکه زخم سنگ دارد
به صورت سوخته درآفتاب تو
به چین های صورت تومینازیم
برزگر ، اگرچه آلونک توازفقرسیاه است
گرچه کمرت درزیرکارسخت ، چون کمان است
امادرسینهٔ توقلبی سپیدومهربان است که میجوشد
به قلب سپیدهمیشه جوشان تومینازیم
برزگر ، توبخاطرنمی آوری خستگی رابه هنگام کار
اگرکسی بگوید : " خسته نباشی "
باسری افراشته ، خندان ، پاسخ میدهی : " زنده باشی "
به لب های همیشه خندان تومینازیم
برزگر ، تو مایهٔ افتخار ما هستی
و رهائی تو همیشه خواستهٔ ماست
و تنها تو در روزهای سخت
یاور و یار ما هستی
به داشتن یاوری چون تومینازیم

(از : ترکمن اوغلی)

نشان

ستاره ای سرخ
برپیشانی بلندشب .

* *

ازلرستان می آیم .
دیروز ، دست من خالی ،
امروزاما
مشت گره کردهٔ من بردهان استبداد .

* *

ازتبریزمی آیم .
دیروز ، دست من خسته
پای من بسته ،
ولی امروزمرا
یارای جنگیدن بادشمن است .

* *

ازشمال می آیم
داس رابرزمین می گذارم
باتفنگم درصف یاران .

* *

ازکردستان می آیم
ازسرزمین عشایرمی آیم .
دیروز ، دست ماو چکش .
اما
بامسلسل می ستیزم امروز .

* *

ازمحله های‌فقیروگمنام می آیم .
دست من خالی
قلب من
لبریزخشم وپرزنفرت .
جسورانه بپامی خیزم امروز .

* *

درگرماگرم پیکار
ای یار
باماباش .

م . م .

بقیه ازصفحه اول

اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان

شرایط زندگی کارگران امریکا بسیار وحشتناک بود. کارگران‌بامزد بخور ونمیری ، بیش از۱۴ ساعت کارمیکردند ؛ وروز کار درمواردی حتی به ۱۸ ساعت هم می رسید . سرمایه داران بابکار بستن انواع حیله هاوحقه هاوباتکیه برقوانین‌ضد کارگری ، به دلایلی مانند دیر آمدن سرکار ، حرف زدن موقع کار ویا " بدرفتاری " مرتبا کارگران را جریمه می کردند . طولانی بودن ساعات کار وشرایط سخت زندگی، جان کارگران‌رابه لب رسانیده بود .سرمایه داران درتبلیغات خود امریکا را بهشت‌روی زمین معرفی می کردند ، درحالیکه برای کارگران امریکا جهنم روی‌زمین بود . درچنین اوضاع واحوالی موج اعتراضات ونارضائی های کارگری به اوج خود رسیدواعتصابات وتظاهرات کارگری تمام امریکا را فراگرفت . درسال ۱۸۸۶ بیش‌از ششصدهزار نفر دراعتصابات شرکت کردند . فقط در اول ماه مه چهارصد هزار نفر با شعار " هشت ساعت کار درروز" به تظاهرات پرداختند . تظاهرات کارگران درشیکاگو به وسیله پلیس به خون کشیده شدوچهارنفر ازکارگران به قتل رسیدند . درچهارم ماه مه درتظاهراتی که‌کارگران علیه خشونت پلیس برپا کرده بودند ، بمبی ازطرف یکی ازعوامل ارتجاع‌به میان تظاهر کنندگان پرتاب شد که موجب کشته شدن عده زیادی ازکارگران ویک پلیس شد . بهانه مناسبی برای سرکوب جنبش کارگری به دست سرمایه‌داران افتاد . زندانهاازکارگران پر شد ورهبران آنهارابه محاکمه کشیدند . دادگاه بدون هیچ مدرکی ،چهار نفرازرهبران جنبش رابه اعدام محکوم کرد . پایداری و مقاومت رهبران جنبش دردادگاه ، نشان دهنده روحیه انقلابی وشکست ناپذیر آنان دردفاع ازآرمان طبقه کارگر بود . یکی ازمحکومین وقتی به پای چوبه دار می رفت فریاد کشید : " صدای کارگر را نمیتوان خفه کرد" .

بورژوازی رهبران جنبش کارگری را کشت ولی نتوانست جنبش کارگری را نابود سازد . اعدام این عده بااعتراض وخشم ونفرت تمام کارگران دنیا روبرو شد .

سه سال بعداولین کنفرانس بین الملل دوم به مناسبت بزرگداشت تظاهرات اول ماه مه شیکاگو تصمیم گرفت روز اول ماه مه راروز همبستگی کارگران جهان اعلام نماید . ازهمان ابتداء برگزاری اول ماه مه با مخالفت شدید سرمایه داران روبرو شد ، ولی کارگران جهان با مبارزه خود دراین روز دست از کارکشیده ومراسم اول ماه مه رابرگزار می کردند . درایران برای اولین بار درسال ۱۲۹۹ کارگران روز اول ماه مه راجشن گرفتند . بعدها درشرایط خفقان حکومت رضا خانی ، کارگران باز این جشن رامخفیانه درشهرهای تهران ، تبریز ، مشهد و . . . برگزار کردند . بعد ازشهریور ۱۳۲۰ که محیط مناسب تری برای فعالیت سازمانهای کارگری به وجود آمده بود ، جشن اول ماه مه همراه باتظاهرات وسیعی ازطرف کارگران‌برگزار شد . درسال ۱۳۲۵ درتظاهرات اول ماه مه دویست وپنجاه هزار تن شرکت کردند . پس ازکودتای ۲۸ مرداد کارگران رزمنده ، بطور مخفیانه این روز فرخنده راجشن می گرفتند .

اول ماه مه امسال برای کارگران ایران اهمیت خاصی دارد . زیرا پس از۲۵ سال دیکتاتوری شاه برای اولین مرتبه میتوانند این روز رابطور علنی برگزار کنند .

" گرامی باداول ماه مه ، روزهمبستگی‌کارگران"
" مستحکم باد اتحاد کارگران‌سراسر جهان"

ضمن دعوت همه‌ی رفقا به همکاری وطرح نظرات خود ، ازدوستانی که‌آثارخودرا برای ما می فرستند ، خواهش میکنیم :

۱– شغل‌خود رابنویسند .

۲– نام مستعاری برای خود تعیین کنندو همراه اثر بفرستندتادرصورت امکان باهمان نام چاپ شود .

چگونگی تشکیل شورای کارگران

درکارخانه‌گلوکزان قزوین

بقیه‌ازصفحه‌اول

به نتیجه مشخص جمع شوند. همه به غذاخوری رفتند. جلسه تشکیل شد. بسیاری ازکارگران صحبت کردند. جلسه شلوغ بودوکارگران حرف یکدیگراقطع میکردند. قرار شد یکنفر اداره جلسه رابه عهده بگیرد. ویکی دیگرازکارگران نیز نظریات رابنویسد. دراین روز راه حلی پیدانشد. روز بعدجلسه باحضور کلیه کارگران از سر گرفته شد. مدیر جلسه ازتمام کارگران خواست که هرکس نظری دارد، بگوید. درمورد سرپرستان ازعوامل کارفرما واداره حفاظت، اعتماد به کارگران ولزوم اتحاد وسپس مقاومت جمعی دربرابر کارفرما صحبت شد. مدیر جلسه درجواب یکی ازکارگران که سرپرست خود را موجب بدبختی خود میدانست گفت:

"باید بدانیم دراصل کارفرما بود که چنان وضعی راپیش آورده بود وهرجاکه کارگران کارمیکنند وکارفرماها وسرمایه دار ها ثمره کار آنهارامی‌خورند عده‌ای رابنام مدیر وسرپرست وفورمن استخدام میکنندتاازکارگران کاربکشند. ولی ماباید بدانیم که دشمن اصلی ما سرمایه دارها هستند، نه سرپرست ها."

درپی صحبت های طولانی یکی از کارگران نتیجه گرفت "بنابراین باید اداره کارخانه راخود دردست بگیریم و برای اینکار باید عده‌ای ازخود ما انتخاب شوند وبدین ترتیب "شورای کارگران" مطرح شد.

کارگری نحوه انتخابات وخصوصیات انتخاب شونده رابه دو زبان ترکی وفارسی توضیح داد وتاکید شد که باید بدون ترس وواهمه کسانی رابرای شوراانتخاب کردکه واقعا مدافع منافع کارگران باشند.

روز چهارشنبه انتخابات شروع شد. چون ۷۰٪ کارگران بی سواد بودند، قرار شد سه نفرازکارگران باسواد انتخاب شوند وبا سئوال از یک یک کارگران بی سواد رای آنهارارویکاغذ بنویسند. ازژتون غذابعنوان کارت رای گیری استفاده شد. رای گیری مخفی بود. بالاخره ۹ نفر که اکثریت آرا را داشتند به عنوان نمایندگان شورای کارگران اعلام شدند.

شورا کارخود راشروع کرد. حدود ۱۲۰ پیشنهاد کارگران که توسط منشی ثبت شده بود قرائت وسپس جمعبندی شد. خواسته های زیربرای مشورت دراولین جلسه عمومی پیشنهاد گردید

۱– تعیین وتعدیل دستمزدکلیه کارکنان بانظر شورای کارگران.

۲– تمرکز کلیه حسابهای بانکی وفروش درقزوین.

۳– تائید کلیه اسناد شرکت توسط نماینده شورای کارگران.

۴– سهام دارشدن کارکنان در سرمایه شرکت بطور جمعی.

۵– نظارت برمرخصی هاوماموریت های داخل وخارج ازکشور توسط شورای کارگران.

۶– تصمیم گیری درموردکارهای مهم ازقبیل خرید وفروش وقرارداد‌های پروژه بانظر شورای کارگران.

۷– دادن اختیارات به هرکدام از سرپرستان درحد مسئولیت سرپرستی.

۸– نصب تابلوی اعلانات در کارخانه جهت آگاهی عموم ازجریانات داخل شرکت وخواسته های سایر کارگران که درروزنامه هامنعکس میشود.

۹– تخفیف بایورسانتار فروش با نظر شورای کارگران باشد.

۱۰– پرداخت حقوق کارکنان دفتر مرکزی بانظر شورای کارگران.

۱۱– حسابرسی دقیق سود ویژه سالانه کارخانه ازبدو بهره برداری از طرف شورای کارگران.

۱۲– پیش بینی بودجه ای جهت تهیه وسایل بهداشتی، لباس کار، کفش، آمبولانس واستخدام پزشکیار و پاکسازی محیط کار.

۱۳– توزیع شیر روزانه بین کارگران.

۱۴– پرداخت سود ویژه سال۵۷ حداکثر تا۱۵ اسفند ماه. نحوه تعیین و تقسیم سود ویژه بانظر شورای کارگران باشد.

۱۵– پرداخت حقوق ومزایای عقب افتاده کلیه کارکنان بطور کامل طبق ضوابط قدیم.

۱۶– غذا برای کارگران شیفتی یک نوبت.

۱۷– افزایش بودجه وام ضروری وپرداخت آن به‌کارکنان بانظر شورا.

۱۸– واگذاری سهام شرکای‌فراری به کارکنان.

درجلسه عمومی درطرح‌پیشنهادی تغییراتی داده شد. مثلا پیشنهاد شد که‌وام بدون بهره تا ۱۰ برابر مبلغ فعلی بانظرشورای کارگران بین کلیه کارکنان تقسیم شود. بازخرید وتنبیه و اخراج کارگران بانظر شورای کارگران باشدوساعت کار به ۴۰ ساعت درهفته کاهش یابد، حق مسکن مناسب تازمان تحویل خانه مسکونی به کلیه کارکنان پرداخت شود. مرخصی سالانه کارکنان مطابق‌دوایر دولتی باشد، مبلغ نوبت کاری تا ۲۰٪ افزایش یابد.

رهنمودهای کارگران درمجمع عمومی بسیار ارزنده بود وآنگاه خواسته هادر۲۰ مورد باقید فوریت درچهارده مورد آن تصویب شدواعلام شدکه سه خواسته ازاول سال باید اجرا شود وسه خواسته نیز بستگی به وضع جامعه خواهد داشت.

یکی از اصول بسیار ارزنده ایکه شورا همواره درمد نظرداشت این بود که اعضای شورا موظفند مرتبا کارگران را درجریان امور قرارداده ونظریات آنها رادربرخورد باکارفرما راهنمای عمل خود قراردهند.

ضمن تشکیل شورا یک سلسله مسائل پیش‌آمد که برای حل آنها اقداماتی صورت گرفت. مثلا به منظور جلوگیری ازدخالتهای بی مورد افراد غیرمسئول درهای کارخانه بسته شد. همچنین انواع کالاها ساخته شده در اختیار شورا قرارگرفت وکالاها جلوی درکارخانه فروخته شدوالبته تمام این عملیات دردفاتر کارخانه ثبت گردید. ازپولی که به این ترتیب به دست آمد حقوق عقب افتاده کارگران وحق مسکن آنان پرداخت شدوهمچنین قبل ازاینکه شورا تشکیل شود حق مکالمه تلفنی از کارفرماوعوامل آن درکارخانه سلب شد وبه کارفرما اخطار شدکه اگر بخواهد باشورای کارگران تماس بگیرد، خود شخصا باید به شورا مراجعه کند.

بعدازظهر چهارشنبه دوم اسفند ماه جلسه ای درغذاخوری کارخانه همانطوریکه شورا پیشنهاد کرده بود، تشکیل شد. دراین جلسه تمام کارگران ناظر گفتگوی مستقیم نمایندگان خود با کارفرمابودند. قدرت کارگران به نمایش گذاشته شد وکارفرما درمقابل خواستهای اولیه کارگران عقب نشینی کرد با بسیاری ازخواستها موافقت کردیدوقرار شد چند تای آنها نیز درجلسه هیئت مدیره مطرح شود وچون برخی‌ازخواستها مربوط به قوانین مملکتی می شد، مثل چهل ساعت کاردرهفته)، قرار شد شورا مسئله رابه صورت دیگرتعقیب‌نماید بااینکه قرار شده بود هیچکس غیرازاعضاء شورای کارگران صحبت نکند کاسه صبر دوتن ازکارگران که یکی ازآنهابعداز هفت سال کار دستمزدی حدود ۳۲۵ ریال میگرفت ودیگری دستمزدی درحدود‌ه ۳۰ ریال داشت لبریز شد وشروع به بحث وجدل باکارفرما نمودند. بطوریکه هیچ تذکری آنهاراخاموش ننمود.

چاره ای نبود جز اینکه این آتش فشان درونی کارگران به سرو روی کارفرما ببارد. کارفرما براسی ازفوران خشم کارگران به وحشت افتاده بود و بالاخره جلسه ناتمام ماند.

بعدازرفتن کارفرما شورا تصمیم گرفت که فقط مقدارمحدودی محصول ازکارخانه خارج شود تاتکلیف بقیه خواستهانیز مشخص شود. بدنبال چنین تصمیمی بود که دوروز بعد نماینده کارگران به اتفاق سه کارگر عازم دفتر مرکزی شدند وبه آسانی قرارداد شد وبره رابه دلخواه کارگران‌و طبق نظر آنان امضاء کردند. قراردادیکه سالها قبل یکماه تاچهل روز بعد برای امضاء کردنش وقت تلف می شد. بداین ترتیب کارگران مبارز وآگاه کارخانه گلوکوزان دراولین هفته های تشکیل شورای خود ازثمرات پرارزش آن‌بهره‌مند شدند. کارگران گلوکوزان بدرستی معتقدند که باید جریان تشکیل این شورا به اطلاع کارگران کارخانه های دیگر نیز برسد. زیرا بنظر آنهاحفظ این شوراها ودستاوردهای آن زمانی امکان پذیر است که در کارخانه ها، کارگاهها وموسسات دیگر نیز شوراها تشکیل شود.

کارگران صنایع فلز برزیل قاطعانه به اعتصاب خود ادامه میدهند

برزیل – سائوپولو

● بدنبال یازده روز اعتصاب ۲۰۰ هزار کارگر صنایع استخراج فلز، دولت برزیل‌تدابیرجدیدی‌برای‌سرکوب خشن کارگران‌اتخاذکرده‌است. درپی این اقدامات‌رهبران سه‌سندیکای عمده این کشوربرکنارشده‌وبجای آنها سه کارمند وزارت کار، منصوب شده‌اند.

روز پنجشنبه ۲ فروردین‌گروه‌های‌ضربتی‌وپلیس‌نظامی برزیل ازساعت ۴صبح‌مجهز به گاز اشک آور وسگهای تعلیم دیده درپناه زره پوشهای ارتش مراکزسندیکاهای‌عمده کشور راکه‌کارگران ورهبران سندیکادرآن جلسه داشتند، محاصره کردند. ماموران پلیس نظامی پس ازدستگیری صد کارگرمبارز، رهبران سندیکا راازمحل اخراج کرده وزمینه را برای استقرار ماموران وزارت کار درمرکز سندیکا فراهم کردند.

بمنظور اعتراض به این‌اقدامات روز بعد تظاهراتی درشهرسائوپولو برگزار شد. باوجود دخالت پلیس، تظاهر کنندگان اعلام کردندکه تصمیم دارندتادست یافتن به خواستهای فوری (پیشگیری از بیکاری واضافه دستمزد) به اعتصاب ادامه‌دهند. از طرفی دولت، کارفرمایان وپاره ای از رهبران سندیکاها طی موافقت نامه ای خواستارقطع فوری اعتصاب شدند‌که درمجمع عمومی کارگران قاطعانه ردشد.

اعمال خشونت علیه کارگران وسندیکاهای مستقل کارگری دربرزیل به‌وضوح نشان میدهد که تبلیغات همه جانبه رئیس جمهور جدیددرمورد "آزادی" وایجاد "فضای‌بازسیاسی" چیزی جز عوام فریبی نیست.

اخبارجهان

نارضائی عمومی کارگران فرانسه ازبحران صنایع فولاد

● کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه روز ۳ فروردین یکی از بزرگترین‌راهپیمائی های خود رادرشهر پاریس‌برگزار کرد. هدف ازاین راه پیمائی، اعتراض وسیع وتوده ای به اخراج دهها‌هزار کارگر صنایع فولاداین کشور بود. تعداد شرکت کنندگان‌در راهپیمائی به‌صدهاهزارتن‌میرسید ودهها‌هزار کارگر صنایع فولاد نیز از نقاط مختلف فرانسه برای شرکت درراه پیمائی به پاریس‌آمده بودند.

ازطرفی کارگران معادن آهن شمال، کارگران برق وگاز فرانسه، کارکنان‌بخشهای‌مختلف خدمات عمومی نیزبمنظور پشتیبانی ازخواستهای کارگران‌صنایع فولاد، طی همین روز دست به اعتصاب زدند، دربسیاری ازشهرهانیزتظاهراتی بمنظور پشتیبانی انجام گرفت.

اعتراض وراهپیمائی کارگران درپایان‌به درگیری‌خشن وخونین بین پلیس‌وراهپیمایان منجر شد. طی درگیری‌شیشه‌بعضی ازمغازه ها وبانکها شکسته‌شدوتعدادی اتومبیل خسارت دید. درجریان‌این برخوردها نزدیک به‌۱۰۰نفرازتظاهر کنندگان، ۱۱۶نفر ازنیروهای‌انتظامی‌زخمی شدندو۵۳نفر ازتظاهر کنندگان دستگیر شدند.

موفقیت ۵میلیون کارگران آلمانی

● درهفته اول فروردین ماه کارگران آلمان غربی به موفقیت قابل توجهی درزمینه اضافه دستمزد نائل‌شدند. طی مذاکراتی که بین نمایندگان سه‌میلیون کارگر درتمام بخشها بغیراز بخش ذوب فولاد باکارفرمایان انجام گرفت، کارگران توانستند پیشنهادات اضافه دستمزد رابه کارفرمایان بقبولانند.

ضمنا ۲/۲ میلیون کارگر وکارمند پست و راه‌آهن، موفق به بالا بردن دستمزدشان به میزان چهاردرصد ودوبرابر کردن مزایای تعطیلات گردیدند. بداین ترتیب جد... اضافه دستمزد به ۴/۵ درصد میرسد.

کارگران بخش تولید مواد شیمیائی درمذاکرات جداگانه ای با کارفرمایان موفق شدند اضافه دستمزدی معادل ۴/۲درصد ک...

اتهام تجزیه طلبی بهانه‌ای برای پایمال کردن حقوق خلقهاست

خواستهای رانندگان،کارگران و رفتگران شهرداری شهرکرد

خواستهای رانندگان ،کارگران ورفتگران شهرداری شهر کرد .

شهر کرد ــ رانندگان ،کارگران ورفتگران شهرداری ، طی قطعنامه ای خواستهای برحق خود رادر۱۲ ماده مطرح کرده وازدولت خواسته‌اندهرچه رودتر به آنهارسیدگی شود .مهمترین این خواستها عبارتنداز :

۱ــ تشکیل شورای کارگران، رانندگان ورفتگران وانتخاب نماینده واقعی که به امور آنان رسیدگی کند .

۲ــ افزایش حقوق مطابق با افزایش هزینه‌ٔ زندگی ومساوی با ادارات دیگر .

۳ ــ تامین بیمه های درمانی و بیمه‌ی بیکاری وبازنشستگی .

۴ــ مصادره زمین های شهرداری که دردوران طاغوتی غصب شده اند وتقسیم آنان بین کارگران ،رانندگان ورفتگران .

۵ــ افزایش حق مسکن .

لغوبدهیهای روستائیان

خرم آباد ــ کشاورزان واهالی روستاهای دره سالی ، گرشیرخان یک، گرشیرخان دو ، گرشیرخان چهار، تراب کی‌میرزاوندبعلاوه‌ی سه ده دیگر، درقطعنامه ای ضمن تاکید براستثمار و اجحافی که دردوران رژیم منفورپهلوی اعمال می‌شد وبخصوص دررابطه با مبارزات حق طلبانه اخیر مردم که در آن خونهای فراوانی نثارشد،خواستهای خودرادر۹ مورد اعلام کردندکه مهمترین آنهاازاین قرار است :

۱ــ رسیدگی هرچه فوری تربه وضع آب این‌منطقه که ازهشت کیلومتری بوسیله خرکچو تهیه میشود .

۲ــ بررسی وضع بودجه ای که به مبلغ ۴ میلیون وهفتصد هزارتومان در سال جاری به حساب این منطقه واریز شده واکنون دراختیار رئیس‌اداره بهداری وبهزیستی ، مهندس جمشیدی وسیدحسن حکمت است .

۳ــ لغو کلیه بدهیهای تمام روستائیان ایران .

۴ــ دادن وام طویل المدت به تمام دهقانان ودامداران ایران .

۵ــ برگرداندن کلیه زمینهای مرتع به مردم .

جمع آوری کتاب درابهر

بعدازظهر سه شنبه۵۸/۱/۷ ، در شهرستان ابهر،۵۰ هزار جلد کتاب کودکان ، ازطرف کمیته‌ٔانقلاب اسلامی این شهر جمع آوری وضبط شد .بسیاری ازاین‌کتابهارا ، نوشته های‌صمدبهرنگی وعلی اشرف درویشیان تشکیل می‌داد توجیه کمیته ابهراین بودکه درزمان رفراندم ،این کتابهامیتوانند درجهت ضدانقلاب مورد استفاده قرارگیرند و ذهن مردم رامسموم کنند . این‌کمیته تحویل کتابهاراموکول به بعدازرفراندم ومنوط به پذیرش کمیته اسلامی تهران کرد .

تشکیل سندیکای رانندگان تاکسی‌در خرمشهر

درهفته گذشته سندیکای‌رانندگان تاکسی‌باشرکت ۲۰۰۰ راننده تشکیل شدونمایندگان سندیکا انتخاب شدند . دراین جلسه درباره چگونگی تشکیل سندیکا وهدفهای آن بحث شد .

همبستگی مردم رضوانشهر (طالش)با خلق های کرد وترکمن

راهپیمائی بیست هزارنفری دردفاع ازخلق ترکمن

بدنبال توطئه های ارتجاع‌وامپریالیسم درسنندج و سرکوب مبارزان کردوترکمن بیش از۸۰۰نفرازجوانان طالش در روز هشتم فروردین ، طی یک راهپیمائی همبستگی خود رابا خلق های کرد و ترکمن وپشتیبانی ازخواستهای به حق آنان ، اعلام داشتندوضمن محکوم‌کردن کشتار بی رحمانه رزمندگان کردوترکمن توطئه هائی راکه بمنظور ایجاد یک جنگ ناخواسته انجام گرفته است افشاء کردند .

بندرترکمن ــ روز چهارشنبه ۸ فروردین ساعت ۳ بعدازظهر حدود۲۰ هزار نفرازمردم بندرترکمن برای پشتیبانی ازحقوق ملی ودمکراتیک خلق ترکمن دریک راهپیمائی شرکت کردند .تظاهر کنندگان کشتار خلق ترکمن رامحکوم کرده‌وشعارهای زیررامیدادند :

"دیروز کردستان ، امروزترکمن صحرا ، فردا نوبت کجاست ؟"

" پدران ، مادران ، به‌میدان بیائید" (بزبان ترکمنی) .

تظاهر کنندگان یکپارچه آزادی‌کلیه‌ دستگیرشدگان‌درترکمن صحرا راخواستاربودند . آنان خواهان آزادی فعالیت‌ستاد مرگزی شوراهای ترکمن صحرا ،کانون فرهنگی‌ــسیاسی خلق ترکمن شدند .

تظاهرات مردم شهروحومه کرند

مردم کرند غرب روز هشتم فروردین پس ازاشاره به ستم ملی وطبقاتی‌که سالیان دراز به خلق کرد اعمال‌میشده ومبارزه دلیرانه ای که خلق کرد دوشادوش تمام خلقهای ایران‌درجنبش رهائی بخش داشته اند ، طی قطعنامه‌ای اعلام داشتند :

" مامردم تحت ستم کرند غرب وحومه ، گوران ، غلخانی ، بیونیج ، گواره ،ریجاب ، بان زرده ، حریرو سایر روستاهای تابع کرند ، خود راجزء لاینفک خلق کرد دانسته وازحق خودمختاری کردستان درچهارچوب ایرانی آزاد ودمکراتیک ، قاطعانه پشتیبانی کرده وهرگونه اتهام تجزیه ــ طلبی راشدیدا محکوم میکنیم . "

دراین میتینگ دهقانان چشمه ــ سفید پشتیبانی خود راازخواستهای این کردهمائی ابراز کرده وخواستهای رفاهی خود رادریک قطعنامه ۱۱ماده‌ای مطرح کردند که درراس آن "تقسیم زمینهای عمده مالکی وخالصجات دربین دهقانان وکشاورزان بی زمین " قرار داشت .

اخباری ازآبادان

ــ روزدهم فروردین دسته‌ای به یک‌مسجدواقع دراحمدآبادلاین ۱۰رفته قصد جلوگیری ازشرکت مردم دررای ــ گیری راداشته اند . پاسداران‌که در آنجابودند شروع به تیراندازی کردند . افراد مذکور متفرق شدندوکسی آسیب ندید .

عده ای مسلح به کلانتری۲ واقع در " بریم " حمله کردندوقصد آتش زدن به صندوقهای‌رای‌راداشتند . درگیری‌تاساعت۱۲/۵بعدازنیمه شب ادامه یافت وبالاخره‌اخلالگران‌دستگیر شدند .

مهاجمین ، گروهی با عنوان‌دارو دسته طاهر بودند که قبلادرخدمت رژیم سابق بوده اند .

اخلالگران ،بمنظور ایجاد بی نظمی وارعاب ،اتومبیلی‌پر از موادآتش‌زا وموادمنفجره رادرمقابل کتابفروشی سحرقرارداده ایجاد آتش سوزی میکنند . عده‌ای که صبح‌زودبرای رفتن به‌سرکارازآنجامیگذرند ،بادیدن آتش سوزی مردم راباخبر کرده ،حریق‌را خاموش میکنند .



صحنه‌ای ازمبارزات مردم سنندج‌که‌سرانجام به‌تشکیل شورای موقت منجرشد

اعتراض عده‌ای ازدهقانان قزوین

سازمان عمران قزوین ۵۷/۱۲/۲۲

۴۱۷ تن‌ازدهقانان وباغداران که دراستخدام سازمان عمران قزوین میباشند برای رسیدگی به حقوق‌ومقرری ۷۵۰۰ ریالی خود ، جلوی ساختمان عمران جمع شدند . حقوق عده ای ۲ــ۴ ماه‌عقب‌افتاده بود .بعلاوه مقرری۷۵۰۰ ریالی آنها شش ماه بود که قطع شده و هشت ماه نیز اضافه کاری آنهابه تعویق افتاده‌بود . رئیس اداره وعده دادکه ازتاریخ ۵۸/۱/۱۵ حقوقشان پرداخت شود وعلت عقب افتادن پرداخت را نداشتن پول عنوان کرد ، درحالیکه با همین‌وضع حقوق کارمندان پرداخت‌شده است .باغداران‌ازاین‌موضوع مطلع بودند وآنراعنوان‌کردند . حقوق این‌باغداران بعداز۱۵سال سابقه کار ۱۲۰۰ تومان است . باغداران چهارنفر نماینده انتخاب‌کرده‌اند که به تهران اعزام نمایند .

تقسیم عادلانه وانقلابی زمین، خواست کشاورزان است

کشاورزان قریه نظام آبادازدهات منطقه دشت سر آمل‌درقطعنامه ای که تنظیم کرده‌اند ضمن اشاره به مبارزات اخیر ، جانفشانی هزاران شهیدوکوتاه شدن دست زورگویان ، خواستهای خود راکه درصدر آن تقسیم عادلانه وانقلابی زمین است ، مطرح کردند . دیگر خواستهای عمده آنان عبارتنداز :

تامین آب وبرق برای قریه ،ایجاد جاده اسفالت ، تامین کود شیمیائی دادن وام های طویل المدت وبدون بهره ولغو بدهی های آنها به بانکها ، تضمین خرید محصولات‌وتشکیل شرکت تعاونی واقعی تحت نظر خوداهالی .

حقوق کارگران باید پرداخت شود .

خرمشهر ــ درتاریخ هشتم فروردین ماه کارگران شرکت "استیو دورینگ " درخرمشهربعلت پرداخت نشدن حقوق اسفند ماه وعیدی خود دست ازکار کشیدندوبه راهپیمائی پرداختند . کارگران درمقابل اداره‌بندر اجتماع کردند وپس ازمذاکره بارئیس بندر قرار شد به سرکار باز گردندو حقوق آنها تاچهارشنبه هفته دیگر پرداخت شود .

اسقف کاپوچی:

"هرجای جهان که درآن مبارزه آزادیبخش ادامه دارد آنجا وطن من است"

عصر یکشنبه ۱۲ فروردین اسقف هیلارین کاپوچی مبارز دلیروثابت‌قدمی که زندگی خود راوقف انقلاب فلسطین کرده است به میهن ما آمد . اسقف کاپوچی عضو افتخاری سازمان الفتح درفرودگاه مهرآباد به فرستاده سازمان ماگفت :

"هرجای جهان که درآن مبارزه آزادیبخش ادامه دارد ، آنجا وطن من است ."

اسقف کاپوچی هنگامیکه اسقف کلیسای مسیحی بیت المقدس بود به حقانیت نبرد قهرمانانه خلق فلسطین علیه صهیونیسم وامپریالیسم پی بردو مصمم شد که همه امکانات خویش را در خدمت انقلاب فلسطین به کار برد . او از مصونیت اسقف بودن استفاده کرد و با مسافرتهای پیاپی به داخل وخارج بیت المقدس کمکهای پرارزشی به انقلابیون فلسطینی که درداخل خاک فلسطین اشغال شده درشرایط بسیار دشواری به نبرد مسلحانه مشغول‌بودند، عرضه کرد . سرانجام پلیس اسرائیل به اومشکوک شدواورادستگیر کرد .اسقف کاپوچی انواع اقسام شکنجه هارا متحمل شد وبه ۱۱ سال زندان محکوم گردید . فشار افکار عمومی دنیاوفعالیتهای جبهه آزادیبخش فلسطین دولت اسرائیل رامجبور ساخت که اسقف کاپوچی راپس ازسه سال که درزندان ماند به خارج ازخاورمیانه تبعیدکند . ازهنگام آزادی هم ، اسقف کاپوچی لحظه ای ازفعالیت برای به ثمررسانیدن انقلاب فلسطین غافل نماند .

درمراسم استقبال ازاسقف کاپوچی درفرودگاه مهرآباد فرستاده سازمان ما ضمن گفتن خوش‌آمد به این مبارز بزرگ ، شهامت وپایداری اورا در زندانهای صهیونیستی اسرائیل ،واراده اورادرنادیده انگاشتن مقررات تبعید امپریالیستی که بازگشتش رابه خاورمیانه منع میکرد ، مورد تمجید قرارداد .

فرستاده سازمان همچنین گفت : " خوشحالیم که اکنون ترادرکنار خود درایران می بینیم ".

اسقف کاپوچی درپاسخ سخنان فرستاده سازمان ، اظهار داشت :

" انقلاب خلقهای جهان ازهم جدائی ناپذیر است . فلسطین ، ایران وهرکشور دیگر دراین منطقه ازجهان‌وهر کجای دیگر که مبارزه هست وآزادی‌تحقق مییابد ، میهن من است . انقلاب شما انقلاب ماست ، انقلاب ما ، انقلاب‌شما است . "

ما ورود اسقف کاپوچی ، رزمنده دلیر انقلاب فلسطین رابه میهن خود خوش‌آمد میگوئیم .وموفقیتهای این مبارز صدیق را در پاسخ به‌آرمانهای مقدس بشری آرزومندیم .

کلیه بدهی‌ها وتعهدات مالی کارگران،دهقانان و زحمتکشان به‌بانکها ومؤسسات دولتی باید لغوشود

درباره حوادث گنبد، فدائیان موظفند سخن بگویند

بقیه از صفحه اول

همه باید بدانند زمین داران بزرگ گنبد که ادامه استثمار وحشیانه خلق زحمتکش ترکمن برایشان ناممکن شده بود به چه حیله ها وبه چه کسانی متوسل شده اند که با خلق ترکمن را سرکوب وزمینهایشان را پس بگیرند یا با برانگیختن احساسات پاک مذهبی نوجوانان انقلاب مردم را به جنگ وبرادر کشی بکشانند. راستی چه کسی آتش جنگ رابرافروخت؟ برای شناخت ریشه های مسئله گنبد باید اندکی به عقب بازگشت.

میدانیم زمین های ترکمن ها پس از قاجاریه کلا" توسط شخص رضاخان غصب شد. طی حکومت جابرانه پهلوی به تدریج وابستگان ه دربار وایادی مزدور او به ویژه سران ارتش تمام منابع طبیعی، مراتع وکشتزارهای ترکمن ها راغصب کردند. خلق ترکمن نه تنها از ثروت های طبیعی خود محروم شد، بلکه بیش ازنیم قرن آنهارا ازحق مسلم تعیین سرنوشت وشرکت درامور مربوط به خود وازفرهنگ خود و اساسا ازهستی خود محروم ساختند. دهقانان ستمکش ترکمن باانتظار بسیار پس از سرنگونی رژیم سلطنتی به زمینهای آبا واجدادی خویش بازگشتند. آنها درهر روستا شورائی تشکیل داده واملاک زمینداران بزرگ را مشترکا مصادره کردند. ازسوی دیگر روشنفکران ترکمن نیز رسالت شکستن سد اختناق فرهنگی رابردوش گرفتند. آنان کانون فرهنگی ــ سیاسی خلق ترکمن رابنا نهادند. چیزی که دراین میان چون خار درچشم مرتجعان وزمین خواران حریص نشسته بود، اعتماد وصمیمیتی بودکه بین کانون فرهنگی ــ سیاسی خلق ترکمن وروستائیان فقیر وجودداشت. زمین داران، این کینه جوترین دشمنان خلق، به دسیسه چینی پرداختند. آنان باعواملی که درفرمانداری وکمیته امام درگنبد داشتند تبلیغات شدید ضد مردمی وضد فدائی را آغازکرده و عده ای از نوجوانان وجوانان ساده لوح وپر شور را که از پیروزی انقلاب به وجد آمده بودند ازشهرهای آمل، بابل، ساری گرگان، بجنورد، قوچان، مشهد و تهران تحت عنوان جنگ علیه "کفار!" برای کشتارخلق ترکمن به گنبدفرستادند.

ازروزهای دوم وسوم فروردین به بعد به تدریج چندین نفراز نوجوانان ازشهر های اطراف، مشهدوتهران به گنبد می روند. روز پنجم فروردین ماه درمجموع حدود ۷۰ تا ۸۰ پاسدار مسلح انقلاب در گنبد جمع می شوند.

روز یکشنبه پنجم فروردین ماه یک سیگار فروش ترکمن راپاسداران انقلاب به اتهام گرانفروشی بازداشت می کنند. چند نفرازترکمن ها وساطت واعتراض می کنند. جنجال می شود، سیگار فروش قصد فرار می کند. جوان ۲۲ ساله ای بنام آراز دردی پور کشته ویک نفر زخمی می شود. مردم شهر باشنیدن این موضوع به خشم می آیند. جلوی کانون فرهنگی وشهربانی اجتماع می کنند وبه کشتن جوان اعتراض می کنند. جسد رامی خواهند، ازتحویل آن امتناع می شود. بالاخره صبح ششم فروردین جسد راتحویل می گیرند وتشییع می کنند. هفت الی هشت هزار نفر درمراسم شرکت می کنند. تظاهرات وتشییع جنازه بعنوان اعتراض به عمل قاتلین باسکوت وبدون دادن شعار برگزار میشود. جسد جوان که اهل بندر ترکمن بود به آنجا منتقل می شود.

ازچندروزپیش برای اعلام نظر پیرامون رفراندم واعتراض به کشتار سنندج ازطرف کانون فرهنگی ــ سیاسی خلق ترکمن یک اجتماع درساعت ۲ بعدازظهر روز دوشنبه ۶ فروردین درمیدان باغ ملی گنبد اعلام شده بود. حادثه کشته شدن یک ترکمن درروز قبل موضوع اعتراض به قتل ومجازات مسببین جنایات را هم به مسائل فوق اضافه می کند.

دراین جا لازم به تذکر است که ازحدود ۲ هفته قبل ازاین تاریخ بنابه دعوت کانون سیاسی ــ فرهنگی یکی ازاعضاء سازمان برای همکاری باکانون به گنبد اعزام شده بود. این رفیق فدائی مسلح به سلاح کمری، مسلسل ونارنجک وسیانور بود. تجهیزاتی که ازچند سال پیش برای مبارزه با رژیم دیکتاتوری سابق تاکنون یک لحظه هم آنهاراازخود دور نکرده بود. فعالیت رفیق درکانون کاملا علنی و آشکار بود. رفیق درارتباط نزدیک با آقای نوروزی مسئول کمیته امام شهر گنبد قرار می گیرد وسعی می کند مسائل مشترک راباتفاهم حل نماید. ساعت هشت روز یکشنبه از کانون گنبد به ستاد تهران تلفنی موضوع کشته شدن یک نفرترکمن بدست پاسدار انقلاب وحالت تشنج شهر گزارش می شود. ضمنا اضافه می شود که رفیق عباس هاشمی (فدائی خلق) با آقای نوروزی تماس تلفنی داشته وضمن شرح وقایع گفته است که کانون هیچ گارد مسلح درشهر ندارد. ومسئولیت حفظ شهر برعهده کمیته امام است. آقای نوروزی جواب نمی دهدوفقط گوشی رامی گذارد.

ازساعت ۲ بعد ازظهر ششم فروردین که جمعیت برای میتینگ درمیدان اجتماع می کند، ازاطراف شهر صدای تیراندازی برمی خیزد وبه تدریج نزدیک می شود. سخنرانان جمعیت راکه حدود۱۵ــ۲۰هزار نفر بودند دائما دعوت به آرامش می کنند. میتینگ تاساعت ۲/۵ بعد ازظهر همچنان ادامه می یابد. دراین ساعت صدای شلیک گلوله ازنزدیک به گوش میرسد، بطوریکه مانع ادامه سخنرانیها می شود. شلیک تااین لحظه هوائی است، اما جهت تحریک تظاهر کنندگان به موتور سیکلت های پارک شده درکنار خیابان تیراندازی می شود. مهاجمان اکثرا ماسک برچهره وبازوبند پاسداران انقلاب بر بازو داشتند. برخی لباس نظامی وبعضی لباس شخصی به تن داشتند. ناگهان به سوی جمعیت شلیک می شود. جمعیت که تااین لحظه دائما به آرامش دعوت می شد هراسان شده وچند دقیقه بعد متفرق میشود. ترکمن ها بشدت خشمگین میگردند. کشته شدن نوجوانی درروز قبل وحمله ناجوانمردانه نقابداران مسلح وکشته ومجروح شدن بیش از ۲۰ نفر از تظاهر کنندگان، کنترل امور راازهم می گسلند. مهاجمان به کانون فرهنگی ــ سیاسی که درجوار محل میتینگ قرار داشت یورش می برند وکتابخانه آنرا به آتش می کشند. سپس به محل کانون شوراهای خلق ترکمن حمله می کنند. کانون زیر شلیک سنگین مسلسل وگاز اشک آور قرار می گیرد. رفیق ما عباس هاشمی تااین لحظه که ساعت ۵/۵ بعدازظهر است درکانون مانده است. اوبنابه دستورمرکزیت سازمان که قبلا درمطبوعات هم اعلام شده بود، به شلیک پاسخ نمی دهد وحاضران درستاد را به آرامش دعوت می کند. همه را جمع کرده به اطاق عقبی ساختمان هدایت می کند که درمسیر شلیکهای بی امان نباشند. عباس دائما توصیه می کند خونسردی خود را حفظ کنند. باتهران تماس می گیرد ومی گوید به ما حمله شده و زیر شلیک سنگین قرارداریم چه کنیم؟ گاز اشک آور پرتاب کرده اند ... سوختیم ... تلفن قطع میشود. طبق گزارشهائی که بعدا به ما رسید عباس وحدود ۱۵ نفر دیگر که درستاد بودند توسط پاسدارانیکه بداخل آمده بودند خلع سلاح وبازداشت می شوند واین درشرایطی بوده است که هنوز ازجانب ترکمن ها هیچ مقابله ای آغاز نشده است. بازداشت عباس ساعت ۵/۳۰ بعداز ظهر روز دو شنبه ششم فروردین ۵۸ صورت گرفت. وصرفا برای این خاطر بوده است که شخص مسئول ومتعهدی راکه می توانست درکنترل وقایع نقش موثری ایفا کند از دور خارج کرده جنگی کور وخونین را به خلق ستمکش تحمیل کنند. کشتار مداوم ووحشیانه ترکمن ها آنچنان خشمی به پاکرده بود که هرترکمن درجستجوی سلاح، خود رابه آب وآتش می زند تاازخوددرمقابل مهاجمان دفاع کند.

ازصبح روز سه شنبه هفت فروردین تعرض ترکمن های خشمگین شروع می شود وتاشب هنگام حدود دوسوم شهر به تصرف آنها درمی آید واین درشرایطی بودکه عباس هاشمی که می توانست درکنترل وضع نقش موثری ایفا کند وجلوی خونریزی رابگیرد بازداشت شده بود.

دراین روز پاسداران انقلاب با بی تجربگی تاسف انگیزی علیرغم توصیه های مکرر افراد پرتجربه نظامی وغیر نظامی که درمحل بودند بتحریک " عمادی " (که بعدها باید راجع به نقش او درووقایع پیش ازاین تحقیق شود)، الله اکبر گویان به میان خیابان آمده وبه سوی منطقه ترکمن نشین یورش می برند. متاسفانه دراین روز چندین نفر ازاین جوانان پرشور به شهادت می رسند. این جوانان با تصوراینکه فرمانده ژاندارمری که به آنها توصیه می کند "بدینگونه نباید جلو گلوله رفت" ضدانقلابی است اورا بازداشت می کنند و در پادگان جزو اسرا به حبس میکشند. توطئه کاملا به موفقیت رسیده بود. ازشهرهای مازندران، خراسان وتهران جوانان نادانسته به کشتار مردمی که برای دفاع ازخود واحقاق حقوق خود به پاخاسته بودند، فرستاده می شوند. فراخواندن حدود یکصد تن جوان پرشور وبرافروخته وبی تجربه به نام پاسدار مسلح ازاهالی آمل، بابل، ساری، تهران، بجنورد مشهد ودیگرجاها به گنبد که طی دوروز قبل ازحمله صورت گرفت، برای چه بود؟ آیا اگر مسائلی بین کمیته امام ودولت ازیکسو وترکمن ها وکانون فرهنگی وشوراها ازسوی دیگر وجودداشت، امکان نداشت ازطریق دیگری جز به خون کشیدن توطئه گرانه میتینگ حل وفصل شود، کدام مذاکره بین ترکمن ها وکمیته امام بادولت درمورد مسائل مورد اختلاف صورت گرفته بودکه به نتیجه نرسیده وتنها راه کشتار مردم درمیتینگ تشخیص داده شده بود؟ دست چه کسی درمیان بوده است که وقایع را بدینگونه پیش برده؟ چرا می باید ابتدا چند نفر ازترکمن ها بدست پاسداران وچند پاسدار به دست ترکمن ها کشته شود وبعد مذاکرات برای حل مسائل آغاز شود؟ سئوال این است که آیا اگر چند پاسدار مسلح نوجوان وچند ترکمن دراین میان قربانی توطئه های شوم مرتجعان شوند مسائل حل میشوند؟ سرمایه داران وزمینداران که منافع خود رادرخطر می دیدند آیا اکنون باایجاد این خونریزی ها خوشحال نیستند؟ نمیتوان انتظار داشت که زمینداران وغارتگران وعوامل آنها ازمصادره زمین هایشان توسط دهقانان خشنود باشندولی قطعا آنها ار سلاح کشیدن یکطرف شهر به روی طرف دیگر خشنودند.

مادراینجا می پرسیم، اگردولت بانمایندگان رسمی وشناخته شده کمیته به فعالیتهائی که درترکمن صحرا صورت می گرفت معترض بودند، پس چرا قبل ازحمله مسلحانه به میتینگ وسخنرانی کانون ترکمن نکوشیدند قدمی درراه حل مسائل بردارند؟ چرا به جای حل مسائل اجازه داده شد به تبلیغات سوء وپخش اخبار جعلی وتحریک شده ودامن زدن به جنگ بین مردم بپردازند؟ مگر راه مذاکره بسته شده بود؟ مگر تمام امیدها ازحل مسالمت آمیز مسئله قطع شده بودکه به پاسداران انقلاب دستور حمله وکشتار داده شد؟ هم میهنان مبارز خوب می دانند که چگونه کشته شدن چند ترکمن به دست پاسداران وکشته شدن چند پاسدار به دست ترکمن ها می تواند چنان آتش کینه ونفرتی رابرانگیرد که آنچه که با صحبت قابل حل بود باگلوله هم دیگر قابل حل نباشد؟ به خون کشیدن شهر گنبد توطئه ای بوده است که ازجانب کثیف ترین توطئه گران ضد انقلاب وعوامل امپریالیزم تدارک دیده شده بود.

مااعلام می کنیم، به هیچ وجه درجنگهای شهر گنبد مداخله ای نداشته ایم. تاکید می کنیم که همان روز اول درگیری ها نماینده سازمان درگنبد طبق دستور العمل اکید سازمانی ازشلیک خودداری کرده ومتاسفانه بعلت تحریکات مرتجعان بازداشت شده است. مرتجعان می خواهند طوری وانمودکنند که گویا مادر گنبد فعالیت داشته ایم حال آنکه ماافتخار می کنیم که نه تنها درگنبد بلکه دربسیاری ازشهرهای ایران دوشادوش پیشروترین نیروها، دوشادوش آنان که درراه ایرانی آزاد ودمکراتیک مبارزه می کنند، درکنار مردم وهمراه مردم برای نابودی تمام مظاهر ستم طبقاتی وملی مبارزه می کنیم وخواهیم کردو این مبارزه حق طلبانه را وظیفه همه انقلابیون راستین خلق می شناسیم.

آقای قطب زاده
هدف ازپخش اخبارجعلی...

بقیه ازصفحه ۱

باشد ولی رادیوتلویزیون باوجود درخواستهای مکرر مابه هیچ وجه به این مسئله توجه نکرد. اما همانگونه که همه هم میهنان میدانند رادیوتلویزیون اقدام به پخش اخبار وبیانیه های تحریک آمیز ودروغین وگمراه کنندهٔ گروههای سیاسی بی هویتی که موجودیت آنها قابل شک است نمود. درطول روزهای گذشته پخش اخبار جعلی وتحریف شده ونفاق افکنانه وتبلیغات مغرضانه برعلیه فدائیان پیوسته ادامه یافت و دست آخر درسرویسهای خبری روز دوشنبه ۱۳ فروردین اعلامیه تحریک آمیزی ازجانب جمعیت جوانان مسلمان شاخهٔ نظامی گنبد درتلویزیون چندین بار پخش شد.

سئوال ماوبسیاری ازمردم این است که هدف آقای قطب زاده از پخش اخبار تحریف شده و جعلی وتحریک آمیز ازرادیووتلویزیون چه بوده است؟ راستی قطب زاده ها باسانسور اخبار واقعی وپخش اخبار جعلی چه هدفی رادنبال می کنند؟

هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را بآدرس زیر ارسال نمائید:

تهران ــ خیابان بلوار ــ خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تلفن: ۶۵۹۹۹۹

ـ برای حمایت مادی خود از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تهران ــ بانک ملی ایران شعبه دانشگاه حساب جاری شماره ۳۲۰۹۸

ننگ بر توطئه‌گران و نفاق افکنان

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سند دیگری از اختناق و ...

اخیرا چندتن از روسای آموزش وپرورش طی بخشنامه هائی ازمدیران ومسئولان مدارس خواسته اند تامانع گفتگو ها وبحث های سیاسی واجتماعات دانش آموزان شوند. دراینجا یک نمونه ازاین گونه دستورالعمل هاراکه ازطرف " منصور منطقی" رئیس اداره آموزش وپرورش ناحیه ۵ صادر شده است ملاحظه می کنید. ازآنجا که چند نمونه مشابه دیگر نیز دردست است، نمیتوان گفت که صدور این دستورالعمل‌های ضددمکراتیک کار فردی وخود سرانه است. بویژه آنکه تعداد زیادی ازمعلمان ودانش آموزان به سبب داشتن عقاید واندیشه های مترقی وتبلیغ آنها، بازداشت ویامورد بازخواست قرارگرفته اند.

خیلی فوری

دبستان ...... مدرسه راهنمائی تحصیلی .... دبیرستان

بقرار اطلاع رسیده بعضی از اشخاص بعناوین مختلف بمدارس مراجعه و درخواست نشان دادن فیلم یا ترتیب نمایشگاه عکس یا سخنرانی وغیره مینمایند و همچنین در بعضی از مدارس توسط بعضی از آموزگاران یا دبیران پیشنهاد تشکیل کمیته یا شورا وتعیین رئیس و معاون و تعیین بعضی از ارکان مطرح میشود وبلاخره برخی از مدارس بعضی از معلمین که تعداد آنها بسیار کم و نادرات بعلت نداشتن مراقبت در ساعت درس به جای تدریس مواد مربوطه و کوشش در پیشبرد دروس عقب مانده دانش آموزان که وظیفه هر معلم شریف برای همکاری و همگامی با انقلاب مقدس اسلامی ایران است به تبلیغات سوئی که جز پریشان ساختن ذهن پاک نونهالان و جوانان نتیجه دیگری ندارد اقدام مینمایند طبیعتا بدینوسیله باستحضار میرساند اولا" از ورود هر نوع اشخاص بدون معرفی رسمی از طرف این اداره جدا" جلوگیری فرمائید ثانیا" از تشکیل هرنوع جلسات خارج از مقررات آئین نامه جمهور خودداری فرمائید مگر دستور خاص ازطرف کمیته رهبری انقلاب اسلامی یا بخشنامه کلی در سطح کشور از مراجع ذیصلاح صادر گردد {ضمنا" در صورت مشاهده هرنوع تحریک معلم یا عناصر غیرمسئول فورا" به اطلاع این اداره برسد تا مورد رسیدگی قرار گیرد} ثالثا" بطور دقیق مراقبت خواهید فرمود چنانچه معلمی در آن مدرسه بر خلاف وظائف معلم ... وبرخلاف هدف مقدس نهضت اسلامی نسبت به آلوده کردن ذهن و افکار دانش آموزان اقدام نماید فورا" باین اداره معرفی فرمائید.

ضمنا" برنامه صبحگاهی (تلاوت چند آیه از قرآن مجید با ترجمه روان) توسط خود دانش آموزان همه روزه باید برگزار شود. این بخشنامه ضمن انجام باید باطلاع فرد فرد همکاران آن آموزشگاه برسد

رئیس اداره آموزش و پرورش ناحیه ۵ تهران منصور منطقی

منصور منطقی، صادرکننده این دستورالعمل که اینک ماسک انقلابی به چهره زده، درانتخابات رستاخیزی کاندیدا بود وبقایای اعلامیه های تبلیغاتی او هنوز هم بردرودیوار شهر موجود است. معلمان پیشگام دراطلاعیه ای، شدیدا به این نوع دستورالعمل های ضددمکراتیک اعتراض کرده وخواهان پاسخگوئی صریح وزیر آموزش وپرورش ومقامات دولتی شده‌اند. درقسمتی ازاین اطلاعیه چنین آمده است :

" ... چرا مفهوم تبلیغات سوء رابطور صریح بیان نمی کنید؟ این عبارت هاوشعارهای کلی رارژیم گذشته هم بیان می کرد. آیا برخورد بامسائل اجتماعی باید به همان شیوه باشد؟" معلمان پیشگام اضافه می کنند: " ... ازکدام قانون وآئین نامه صحبت می کنید؟ ازقوانین وآئین نامه های رژیم سابق که اجازه بحث وگفتگو وبرخورد اندیشه های آزاد به دانش آموز ومعلم نمی‌داد؟ یاازقوانین وآئین نامه های دوران انقلاب؟ قوانین دوران انقلاب که باید بیانگر آزادی ودمکراسی باشد نه اینکه هرگونه آزادی بیان واندیشه را نابود کند واختناق وترس وسانسور را دوباره برقرار سازد. آیا قوانین انقلاب، حق داشتن جلسات سخنرانی ونمایش فیلم وتئاتر درمدارس را ازدانش آموزان سلب می کند؟ براستی چه کسی میتواند این حق راکه آنهابا نثار خون خودبدست آورده اند،پس بگیرند؟

تبلیغات مغرضانه علیه نیروهای مترقی و مبارز

این روزهادرتهران وشهرستانها اعلامیه هائی تحریک آمیز ومشکوک منتشر میشود که نیروهای مترقی وضدامپریالیستی راآماج حمله های خود قرارمیدهند. دستهای ناپاک ومشکوکی که این اعلامیه هارامی‌نویسند قصدشان پاشیدن تخم نفاق ودشمنی بین‌اقشار وطبقات‌مبارز میهن ماست. اینها قصد دارند ازناآگاهی یااعتقادات مذهبی هموطنان ماسوء استفاده کرده ومحیطی تحریک آمیز علیه عناصر وجریانات مترقی وضدامپریالیست بوجود آورند، مرکوشند مانع بوجود آمدن محیط تفاهم ودمکراتیکی شوند که مردم ایران بخاطر آن قیام کردند و هزاران شهیددادند. کار این عناصر مغرض به انتشار این فحش نامه ها خاتمه نمی یابد. عملیات‌ضددمکراتیکی نظیر پاره کردن اعلامیه ها وحمله به نمایشگاههای عکس شهدای انقلابی، آتش زدن کتابفروشیها ودستگیری پخش کنندگان اعلامیه های سازمانهای مترقی وحتی شلاق زدن توزیع کنندگان آنها توسط عناصر مشکوکی که دربعضی کمیته های امام رخنه کرده اند، انجام میگیرد. همه اینها به وضوح پرده‌ازروی نقشه های شوم وضدانقلابی عوامل ارتجاع که درخدمت مستقیم یاغیر مستقیم امپریالیسم عمل میکنند، بر میدارد. ایجاد رعب ووحشت دربین مردم وسلب آزادیهای مردم درابراز عقاید سیاسی، اجتماعی‌وفلسفی خود، به‌نفع چه کسی است؟ آیا اینهازمینه بوجود آوردن محیط ترور وسرکوب خلق یعنی بازگشت به دوره سابق وتحکیم مجدد سلطه کامل امپریالیستها نیست؟

آیا براستی این سئوال مطرح نمیشود: حال که امپریالیسم نتوانست بوسیله رژیم شاه خائن سلطه‌خودرا ادامه دهد باایجاد نفاق ودشمنی و درگیری مردم با یکدیگر نقشه های پلید خود را اعمال سازد؟ یعنی بازگشت به سیاست قدیمی امپریالیسم: " تفرقه بینداز وحکومت کن ".

تاریخ کشور ما وسایر ملتها نشان داده است که ایجاد چنین شرایط تحریک آمیز، مقدمه ای برای بوجود آوردن دستجات فاشیستی وتروریستی توسط امپریالیسم وضد انقلاب بوده است. ابتدا نیروهای چپ رادراذهان عمومی مردم ضددین، مخالف اخلاق عفت وحیا، طرفدار دیکتاتوری، بیرحم ضد خلق، اجنبی پرست و... نشان می دهند وسپس عوامل ارتجاعی‌وابسته به امپریالیسم از جو تحریک آمیزی که دربین مردم ناآگاه ومتعصب مذهبی بوجود آورده اند توده ناآگاه راآلت دست خود ساخته وبرای ایجاد دستجات فاشیستی وتروریستی سرباز گیری میکنند. همه میدانیم که‌دستجات فالانژیستهای لبنانی، فاشیستهای‌ترکیه وآرژانتین که به سبک فاشیستهای آلمانی وصهیونیستهای اسرائیلی عمل میکنند چگونه بدست امپریالیستها به وجود آمدند.

قصد ماازنوشتن این مطالب دادن هشدار به تمام نیروهای انقلابی است. مامعتقدیم دراین باره همه نیروهای مترقی، اعم ازمذهبی‌وغیر مذهبی، مسئولیت خطیری به عهده دارند. برروحانیت مترقی است که دراین باره مردم راارشاد کرده ونقشه های شوم ارتجاع رابرای مردم ناآگاه که ندانسته به دام عناصر مشکوک می افتند فاش نمایند. ضمنا دولت نیز موظف است به مسئولیتهای خویش در حفظ دستاوردهای‌انقلاب وتضمین آزادیهای دمکراتیک برای همه مردم توجه کافی مبذول دارند. همچنین برعهده‌نیروهای‌مترقی‌وضدامپریالیستی است که بامتانت وبردباری بااین مسائل برخورد کرده وباکارتوضیحی وسیع، کتبا وشفاها، سعی نمایند نقش عناصر مشکوک وارتجاعی راافشاء کرده وتوده های ناآگاه راازعواقب وخیم این اعمال مطلع سازند.

درخاتمه باید بگوئیم که مابه هیچ وجه مخالف مبارزه سیاسی–ایدئولوژیکی نیروهای مخالف نیستیم برعکس معتقدیم که " دریک محیط دمکراتیک، ودربرخورد عقاید وآراء سازنده است که سطح آگاهی توده هابالا میرود." درهمین رابطه است که ما صراحتا اعلام میکنیم ازهر کوششی که دراین زمینه صورت گیرد، استقبال میکنیم. مابه نشر مطالبی که به‌شیوه‌ای درست، بحث ومبارزه سیاسی–ایدئولوژیک رادامن زند، وهمچنین ترتیب دادن جلسات بحث ومناظره درمورد همه مسائل مملکت درمطبوعات، رادیوتلویزیون، دانشگاه ها، مدارس ومساجدراقدمهای مثبتی درآگاهی افکار عمومی میدانیم. هیچکس منکراین واقعیت نمیتواند باشد که این نوع حرکات به بالا بردن آگاهی هموطنان کمک میکند." درحالیکه انتشار ورق پاره های مشکوک ومبتذل وسراپا فحش، ایجاد محیط تحریک آمیز پاره کردن اعلامیه ها وحمله به نمایشگاههای عکس جز ایجاد نفاق و دشمنی بین توده ودرگیری بین مردم‌که به نفع امپریالیسم‌وضدانقلاب است، ثمری ندارد.

آقای امیر انتظام
تجدید سازمان ساواک، خیانت به انقلاب است

سخنگوی دولت روز پنجشنبه گذشته درمورد بازسازی مجدد ساواک گفت :

" سازمان امنیت برای کنترل بیگانگان وجاسوسان خارجی فعالیت خواهد کرد". اوهمچنین اظهارداشت "یکگروه سه نفره برای تسویه به سازمان امنیت اعزام شده اند ".

کیهان‌شنبه ۱۱فروردین۵۷

بازگذاشتن دست سازمان‌امنیت برای خیانت، تقویت‌ضدانقلاب است.

درحالیکه هنوز عده ای ازماموربن ساواک بخاطر جنایاتی که مرتکب شده‌انددرتعقیب وبازداشت بسر می برند، بازسازی ساواک چه‌مفهومی می تواند داشته باشد؟

مگر غیرازاین است که ساواک باکارنامه سیاه چند دهه اش، کانون بیشرمانه ترین وننگین ترین توطئه ها وجنایت ها برعلیه خلق ایران بوده است؟

سازمان امنیت به دست مزدوران وجاسوسان کثیف " سیا " برپا شده ودرس خیانت وتوطئه بر علیه منافع مردم ایران رادرمکتب این مزدوران فراگرفته است. این سازمان همواره بعنوان برنده ترین حربه برای سرکوب جنبش خلق‌وکشتار وشکنجه مبارزان بکار گرفته شده است. عناصر این سازمان بادقت فوق‌العاده ازبین سرسپرده ترین افراد نسبت به رژیم ننگین پهلوی انتخاب ودرمکتب " سیا " پرورش یافته اند.

عناصر این سازمان پس ازانحلال ساواک به هیچ وجه دست ازخیانت وجنایت وتوطئه های ضد مردمیشان برنداشتند ونمی توانند بردارند. این مزدوران‌تامغز استخوان فاسد، برای توطئه چینی وجاسوسی به نفع اربابشان درمراکز حساس وکمیته های امام نفوذ کردند. این افراددرطی دوماه اخیر بصورت های گوناگون برای متشکل کردن بازمانده های ساواک– واقدامات ضد انقلابی سازمان یافته فعالیت مستمرداشتند.

ازسخنگوی دولت می پرسیم به جای شناسائی دقیق این عناصرو تحت نظر گرفتن فعالیتهای ضدانقلابی آنها وسلب امکان توطئه چینی‌ازآنها مامور کردن این کثیف ترین جاسوسان سرسپرده امریکا برای کنترل هم مسلکانش چه مفهومی دارد؟

آیاغیرازاین است که اینگونه اقدامات به منحرف کردن مبارزه ضدامپریالیستی مردم، تقویت ضد انقلاب وبازگذاشتن دست امپریالیسم وایادی آن برای توطئه چینی برعلیه صفوف متشکل خلق می انجامد؟

دیروز عمله، امروز مستضعف، فردا بدهکار

دراجتماع کارگران بیکاردرخانه کارگر یکی ازنمایندگان کارگران که گزارش‌مذاکرات خودرا درمورد میزان وام دریافتی کارگران بیکار از وزارت کار تشریح می کرد، گفت :

" درطرحی که ازطرف وزارت کار برای این منظور تدوین شده، همه جاازکارگران وام گیرنده بعنوان بدهکار نام برده شده است. ترس من ازاین است که این نام (بدهکار) درآینده برروی مابماند ... "وی سپس باکنایه گفت :" تا دیروز به ما عمله می گفتند، امروز مستضعف می گویند وهیچ بعید نیست که فردا مارا (بدهکار) بنامند. خدا آخر عاقبت ما را به خیر کند."

اول ماه مه را هرچه باشکوهتر برگزار کنیم